

بازتاب اندیشه خدمات اجتماعی در پرتو منابع معرفتی و فکری

(عصر سلجوقیان بزرگ)

زیبا شمس: دانشجوی دکتری تاریخ دانشگاه الزهرا

اسماعیل حسن زاده: دانشیار تاریخ دانشگاه الزهرا

چکیده:

عصر سلجوقیان بزرگ از دوره‌هایی است که در آن سه سنت معرفتی و فکری ایرانی، اسلامی و ترکی در بستر واحد حکمرانی با یکدیگر هم‌نشین شده و در شکل‌دهی به ساختارهای سیاسی، اجتماعی و فرهنگی نقش ایفا کرده‌اند. پژوهش حاضر با هدف بررسی بازتاب اندیشه خدمات اجتماعی در پرتو این منابع فکری انجام شده و در پی پاسخ به این پرسش است که تکرار این منابع، چگونه در شکل‌گیری الگوی خدمات اجتماعی در دوره سلجوقیان انعکاس یافته است. رویکرد این پژوهش توصیفی - تحلیلی است و در آن، از روش تحلیل تاریخی برای بررسی منابع اندرزنامه‌ای، متون اسلامی و میراث مکتوب ترکی استفاده شده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که اندیشه خدمات اجتماعی در عصر سلجوقیان حاصل تعامل

این سه سنت فکری است، که با کارکرد متفاوت، در شکل‌گیری اندیشه خدمات اجتماعی نقش داشته‌اند؛ به گونه‌ای که آموزه‌های اسلامی بنیان‌های ارزشی خدمات اجتماعی را فراهم می‌کرد، تجربه دولت‌داری ایرانی بیشترین سهم را در سامان‌دهی سازوکارهای اداری و سیاست‌گذاری اجتماعی داشت و میراث سیاسی - نظامی ترک‌ها زمینه اجرایی و قدرت لازم برای تحقق این سیاست‌ها را مهیا می‌ساخت. با وجود این تفاوت‌ها، مطالعه تطبیقی منابع بیانگر آن است که مفاهیمی چون عدالت اجتماعی، رفاه عمومی، حمایت از اقشار آسیب‌پذیر، تعاون و حفظ امنیت اجتماعی به‌عنوان محورهای مشترک میان این سنت‌ها عمل کرده و مبنای شکل‌گیری الگویی چندبعدی و منسجم از خدمات اجتماعی در ساختار حکمرانی سلجوقیان شده است.

کلیدواژه‌ها: خدمات اجتماعی، سلجوقیان بزرگ، تکرر معرفتی، سنت ایرانی، سنت اسلامی، سنت ترکی،

۱- مقدمه و طرح مسئله:

دوره امپراتوری سلجوقی در دوران اوج خود پهنه وسیعی از آسیای مرکزی تا مدیترانه را در بر می‌گرفت و به اقتضای این وسعت، به شاخه‌های مختلفی تقسیم شد. هسته مرکزی و اصلی این خاندان که بر ایران و بخش‌هایی از عراق تسلط داشتند، با عنوان سلجوقیان بزرگ (۴۳۱-۵۹۱ ه.ق) شناخته می‌شوند. در کنار این

شاخه اصلی، شاخه‌های دیگری نیز از این خاندان شکل گرفتند که مهم‌ترین آن‌ها سلجوقیان روم در آناتولی، سلجوقیان شام در سوریه و شاخه‌های محلی سلجوقیان کرمان و سلجوقیان غرب ایران بودند (بازورث و دیگران، ۱۳۸۰: ۸۵-۱۲۰)

در میان این شاخه‌ها، حکومت سلجوقیان بزرگ (۴۳۱-۵۹۱ ه.ق) به عنوان هسته اصلی قدرت، نقش محوری در تحولات این عصر ایفا کرد. این دوره، از مقاطع مهم تاریخ ایران در قرون میانه است که در آن ساختار سیاسی و اجتماعی جامعه در بستر تعامل چند سنت فکری و فرهنگی شکل گرفت. اگرچه درباره ساختار قدرت سیاسی، سازمان اداری و تحولات نظام حکمرانی در این دوره پژوهش‌های متعددی انجام شده است، اما بررسی اندیشه خدمات اجتماعی در پرتو منابع معرفتی و فکری این حکومت، موضوعی کاملاً نو و عرصه‌ای بکر در مطالعات تاریخ سلجوقیان به شمار می‌رود.

ورود به این عرصه بدیع، پیش از هر چیز نیازمند درک دقیق مفهوم خدمات اجتماعی در بستر مناسبات تاریخی آن عصر است، لذا در این پژوهش، مفهوم خدمات اجتماعی ناظر بر کارکردهای مدرن «دولت رفاه» نیست و به تبع آن، کاربرد واژگانی نظیر مشارکت یا تأمین اجتماعی، نیز در این متن به معنای مصطلح امروزی نبوده و منحصر ناظر بر مصادیق تاریخی آن‌ها در دوره مورد نظر است؛ بنابراین خدمات اجتماعی در اینجا، به مجموعه اقداماتی اشاره دارد که حکومت سلجوقی،

با مشارکت نهادهای دیوانی، محلی و مذهبی، برای حفظ ثبات، کسب مشروعیت و حمایت از گروه‌های مختلف اجتماعی انجام می‌داد.

این حمایت‌ها حوزه‌های متنوعی را در بر می‌گرفت؛ از جمله: خدمات بهداشتی و درمانی نظیر تاسیس و تجهیز بیمارستان‌ها و دارالشفاه‌ها (سبط بن جوزی، ۱۴۳۴، ج ۱۹: ۱۶-۱۷)؛ خدمات آموزشی در قالب توسعه مدارس و مراکز علمی (ناصر خسرو، ۱۳۸۲: ۴؛ کسائی، ۱۳۷۴: ۸۳ و ۱۰۹) خدمات حمایتی نسبت به گروه‌های آسیب‌پذیر (بنداری، ۱۳۵۶: ۸)؛ اقدامات اقتصادی در دوره‌های قحطی، جنگ یا ویرانی شهرها (ابن اثیر، ۱۳۸۵ ه.ق، ج ۹: ۵۰۷)؛ خدمات عمرانی مانند ایجاد پل‌ها، کاروانسراها و آب‌انبارها (سایکس، ۱۳۶۳: ۳۸؛ وزیری، ۱۳۵۲: ۳۴۹) و نیز خدمات دینی و فرهنگی که در نهادهایی چون مساجد و خانقاه‌ها تجلی می‌یافت (نیشابوری، ۱۳۳۲: ۱۰؛ مافروخی اصفهانی، ۱۳۸۵: ۱۲۶). این موارد عمدتاً در نهادهای سنتی آن دوران همچون وقف، حسبه، دیوان مظالم و دیوان‌های اداری تحقق می‌یافت.

این تدابیر حمایتی و رفاهی، صرفاً مجموعه‌ای از اقدامات اجرایی پراکنده نبودند، بلکه بر بنیان‌های فکری و معرفتی عمیقی استوار بودند که جهت‌گیری اجتماعی حکومت را تعیین می‌کرد. از این منظر، بررسی خدمات اجتماعی در دوره سلجوقیان

بدون توجه به منابع معرفتی شکل‌دهنده آن، تصویری ناقص از کارکردهای اجتماعی این حکومت به دست می‌دهد.

حکومت سلجوقیان در نقطه تلاقی سه سنت مهم فکری و نهادی؛ ایرانی، اسلامی و ترکی شکل گرفت. هر یک از این سنت‌ها پیشینه‌ای تاریخی و مجموعه‌ای از ارزش‌ها و الگوهای خاص در حوزه اداره جامعه و تنظیم روابط اجتماعی داشتند. با این حال، جایگاه این سنت‌ها در شکل‌گیری الگوی خدمات اجتماعی یکسان نبود. سنت ایرانی که بیشترین سهم را در سامان‌دهی سازوکارهای اداری و سیاست‌گذاری اجتماعی داشت؛ با تجربه دیرینه دولت‌داری و اندیشه دادگری پادشاه، بر عدالت، آبادانی و رفاه رعیت تأکید می‌کرد و چهارچوب‌های اداری و دیوانی لازم برای سامان‌دهی امور اجتماعی را فراهم می‌آورد. سنت اسلامی، به مثابه شالوده ارزشی و هنجاری، آموزه‌هایی همچون عدالت، تکافل اجتماعی، مسئولیت اخلاقی حاکمان و نهادهایی مانند زکات، صدقه و وقف را برای تقویت بعد دینی و اخلاقی سیاست‌های اجتماعی به ارمغان آورد. در کنار این دو سنت، میراث سیاسی و اجتماعی ترک‌ها که ریشه در ساختارهای قبیله‌ای و نظامی داشت؛ با تأکید بر نظم اجتماعی، همبستگی گروهی، حمایت رهبر از جامعه و تأمین امنیت، زمینه اجرایی و قدرت لازم برای تحقق این سیاست‌ها را مهیا می‌ساخت.

با وجود حضور هم‌زمان این سه منبع معرفتی در ساختار حکومت سلجوقی، در بسیاری از پژوهش‌ها این سنت‌ها یا به صورت مستقل بررسی شده‌اند و یا سهم هر یک در شکل‌گیری سیاست‌های اجتماعی به‌طور جداگانه مورد توجه قرار گرفته است. در نتیجه، چگونگی تعامل و هم‌نشینی این منابع فکری و نقش آن‌ها در شکل‌گیری یک الگوی نسبتاً منسجم از خدمات اجتماعی در این دوره کمتر مورد تحلیل قرار گرفته است. در واقع، یکی از خلأهای پژوهشی در این حوزه، تبیین منشا معرفتی اندیشه خدمات اجتماعی در عصر سلجوقیان و نحوه بازتاب این اندیشه‌ها در ساختار سیاست‌های اجتماعی آن دوره است.

بر این اساس، مسئله اصلی پژوهش حاضر آن است که تکثر منابع معرفتی ایرانی، اسلامی و ترکی چگونه در شکل‌گیری اندیشه و الگوی خدمات اجتماعی در عصر سلجوقیان بازتاب یافته است. فرض اصلی پژوهش آن است که الگوی خدمات اجتماعی در این دوره نه محصول یک سنت منفرد، بلکه حاصل تعامل و هم‌نشینی سه منبع معرفتی یادشده در بستر ساختار حکمرانی سلجوقی بوده است. این تعامل سبب شد مجموعه‌ای از اصول و مفاهیم مشترک در حوزه خدمات اجتماعی که پیش‌تر در هر یک از این سنت‌ها وجود داشتند، در ساختار حکمرانی سلجوقی در کنار یکدیگر قرار گرفته و به صورت چهارچوبی نسبتاً منسجم عمل کنند.

مفاهیمی مانند عدالت اجتماعی، تأمین معیشت و رفاه عمومی، تعاون و همبستگی اجتماعی، حمایت از اقشار آسیب‌پذیر و حفظ نظم و امنیت اجتماعی از جمله محورهایی هستند که در هر سه سنت به گونه‌ای مورد تأکید قرار گرفته‌اند و زمینه لازم برای هم‌نشینی آن‌ها در یک چهارچوب واحد را فراهم کرده‌اند. حاصل این تعامل، شکل‌گیری الگوی تلفیقی خدمات اجتماعی در ساختار حکمرانی این حکومت بود که در آن سنت اسلامی؛ چهارچوب ارزشی و هنجاری خدمات اجتماعی را فراهم می‌کرد، سنت ایرانی؛ سازوکارهای اداری و مدیریتی لازم برای اجرای آن را شکل می‌داد و سنت سیاسی - اجتماعی ترک‌ها با ایجاد اقتدار نظامی و ثبات حکومتی، زمینه تحقق عملی این سیاست‌ها را فراهم می‌ساخت.

بر این اساس، در ادامه پژوهش تلاش می‌شود مؤلفه‌های خدمات اجتماعی در هر یک از سنت‌های ایرانی، اسلامی و ترکی به‌طور جداگانه بررسی و تحلیل شود تا از خلال این بررسی، عناصر و مفاهیم مشترک میان آن‌ها شناسایی گردد. در گام بعد، با تحلیل هم‌نشینی این عناصر در بستر حکمرانی سلجوقیان، امکان بازسازی الگوی مشترک خدمات اجتماعی در این دوره فراهم خواهد شد.

موضوع خدمات اجتماعی، اگرچه در سال‌های اخیر مورد توجه برخی پژوهشگران قرار گرفته است، با این حال همچنان از حوزه‌های کمتر کاوش‌شده در تاریخ ایران اسلامی، به‌ویژه در دوره میانه، به شمار می‌رود. اغلب پژوهش‌های مرتبط با عصر سلجوقی نیز بیشتر بر ساختار سیاسی، نظامی، اداری، شیوه‌های حکمرانی و نقش نخبگان ایرانی همچون خواجه نظام‌الملک متمرکز بوده‌اند و جنبه‌های رفاهی و حمایتی حکومت، به‌عنوان حوزه‌ای مستقل و برخوردار از پشته‌های معرفتی متکثر، کمتر موضوع مطالعه قرار گرفته است.

در سطح مطالعات کلاسیک، آثاری چون «تاریخ میانه ایران» اثر آن لمبتون^۱، «تاریخ سلجوقیان» نوشته ادموند بازورث^۲ و دیگران و کتاب «امپراطوری بزرگ سلجوقی» از اندرو پیکاک^۳ از جمله مهم‌ترین پژوهش‌هایی هستند که به ساختار قدرت، نظام دیوانی و وضعیت اجتماعی دولت سلجوقی پرداخته‌اند.

با وجود این، در این مطالعات، تامین رفاه، نتیجه پیامد ثانوی ثبات سیاسی، نه محصول آگاهانه یک ایدئولوژی چند لایه است. بنابراین موضوع بازتاب اندیشه‌های خدمات اجتماعی در منابع معرفتی این دوره کاملاً ایده‌ای نو و نیازمند تبیین نظری و تاریخی مستقل است. با این حال در ادامه به چندین پژوهش اشاره می‌شود که؛

^۱ - Ann Lambton.

^۲ - Edmund Bosworth.

^۳ -Andrew Peacock.

اگرچه هرکدام از این پژوهش‌ها می‌توانند اطلاعات اندکی در این زمینه را فراهم آوردند، اما همچنان از انعکاس جامع اندیشه خدمات اجتماعی در سنت (ایرانی، اسلامی، ترکی) عصر سلجوقی فاصله زیادی دارند.

در میان پژوهش‌های معطوف به مفاهیم دینی خدمات اجتماعی، کتاب «مقدمه‌ای بر خدمات اجتماعی در اسلام» اثر محمد زاهدی‌اصل، از مهم‌ترین منابع محسوب می‌شود. نویسنده در این کتاب با تعریف جامع خدمات اجتماعی از منظر اسلام، کوشیده است مجموعه‌ای از دستورات دینی و اخلاقی اسلام را ذیل عنوان خدمات اجتماعی جای دهد. با وجود این، تمرکز اصلی کتاب بر آموزه‌های دینی است و به بررسی مصادیق این مفاهیم در حکومت‌های اسلامی، از جمله دوره سلجوقی، توجهی نشده است.

در پیوند مستقیم با ساختار حکمرانی سلجوقیان، مقاله «تأثیر سیاست‌نامه خواجه نظام‌الملک بر ساختار حکومت سلجوقی» اثر عباس سرافرازی نقش سیاست‌نامه را در تکوین نهادهای اداری و نظام قدرت در این دوره بررسی کرده است. نویسنده نشان می‌دهد که سیاست‌نامه نه تنها یک متن اخلاقی و توصیه‌ای، بلکه سندی مؤثر در سامان‌دهی ساختار حکومت سلجوقی است. با وجود اهمیت تحلیل‌های ارائه‌شده، این پژوهش نیز عمدتاً بر جنبه‌های سیاسی و اداری تمرکز دارد و ابعاد

رفاهی و خدمات اجتماعی حکومت را به عنوان موضوعی مستقل مورد بررسی قرار نمی‌دهد.

در ادامه، مقاله «مبانی رفاه اجتماعی در اسلام» نوشته حبیب محمدنژاد و رضا محبوبی (۱۳۹۱) با تبیین مفاهیمی چون تعاون، مسئولیت فردی و نظارت اجتماعی تلاش کرده است بنیان‌های رفاه در اندیشه اسلامی را روشن کند. نویسندگان با بررسی چهار حوزه اقتصاد، سیاست، فرهنگ و اجتماع در اسلام، نتیجه می‌گیرند که تحقق فلسفه بندگی و عبودیت در سطح فرهنگی جامعه، می‌تواند زمینه‌ساز ظرفیت‌های گسترده رفاه اجتماعی شود. با وجود ارزش نظری مقاله، رویکرد آن کلان، عمومی و غیرتاریخی است و به تطبیق این مفاهیم با تجربه دولت‌های اسلامی، به‌ویژه سلجوقیان، نمی‌پردازد.

در حوزه اداری - حقوقی، مقاله ای با عنوان «تأملی بر انعکاس تاریخی مفاهیم و اصول حقوق اداری در سیاست‌نامه» نوشته علی مشهدی و ژاله غنی (۱۳۹۸) به چاپ رسیده است. این مقاله به مفاهیمی مانند شایسته‌سالاری، مشارکت عمومی و عدالت اداری، به وجوهی از حکمرانی عادلانه و نظم اجتماعی در سیاست‌نامه خواجه نظام‌الملک اشاره می‌کند، اما. با این وجود، تمرکز مقاله عمدتاً روی مباحث اداری و حقوقی است و مفاهیم استخراج‌شده را در چارچوب نظام خدمات اجتماعی تحلیل نمی‌کند.

در مورد نهادهای مدنی آن عصر از جمله وقف و حاسبه نیز آثاری نوشته شده اند از جمله مقاله: «کارکرد نهاد حاسبه در برقراری امنیت اجتماعی شهرها» نوشته؛ ثواقب و شهیدانی (۱۳۹۵)، که به کارکردهای نظارتی این نهاد پرداخته شده است اما این پژوهش در سطح توصیف ساختاری این نهاد متوقف شده است و یا پژوهش‌هایی نظیر «بررسی کارکرد نهاد وقف در توسعه تمدن اسلامی در دوران سلجوقی» نوشته طیبیه رستمی، (۱۴۰۰) و یا مقاله «کارکردهای اقتصادی وقف در دوره سلجوقیان با تأکید بر تفاوت آن با تراست اقتصادی» نوشته ایران‌پور و همکاران (۱۴۰۲)، که نهاد وقف را عمدتاً از منظر توصیف کلی نقش تمدنی و پیامدهای مالی آن بررسی کرده‌اند. با این وجود، این مطالعات در چهارچوب تحلیل‌های تک‌بعدی محدود مانده اند.

بنابراین برآیند مطالعات یادشده نشان می‌دهد که اگرچه پژوهشگران هر یک به بخشی از مفاهیم مرتبط با خدمات اجتماعی پرداخته‌اند، اما هیچ‌یک نتوانسته‌اند این موضوع را با رویکردی تاریخی، منسجم و مبتنی بر سه سنت معرفتی ایرانی، اسلامی و ترکی تبیین کنند. این در حالی است که نوآوری و تأکید اصلی مقاله حاضر، فراتر رفتن از توصیف صرف نهادها و بررسی تحلیلی تأثیر و درهم‌تنیدگی سه سنت ایرانی، ترکی و اسلامی و بازتاب این سیاست‌گذاری‌ها و عملکرد حکومت سلجوقی در حوزه رفاه و حمایت اجتماعی است.

از این رو پژوهش حاضر در پی آن است که ضمن عبور از رویکردهای تک‌بعدی، بازتاب اندیشه خدمات اجتماعی را با استناد به این سه سنت فکری و در بستر حکومت سلجوقی استخراج، تحلیل و مقایسه کند و در نهایت، الگوی خدمات اجتماعی در دوره سلجوقی را ارائه دهد؛ موضوعی که در پژوهش‌های پیشین یا مغفول بوده یا تنها به‌شکلی پراکنده و غیرمنسجم مورد توجه قرار گرفته است.

۳- تکثر منابع معرفتی و فکری (اسلامی - ایرانی - ترکی) و خدمات

اجتماعی:

یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های دوره سلجوقیان، تنوع و تکثر منابع معرفتی‌ای است که در شکل‌گیری ساختار سیاسی و اجتماعی این حکومت نقش داشت. سنت‌های ایرانی، اسلامی و ترکی هر یک حامل مجموعه‌ای از مفاهیم، ارزش‌ها و شیوه‌های حکمرانی بودند که در فرآیند استقرار سلجوقیان به‌تدریج در کنار یکدیگر قرار گرفتند و فضای فکری و سیاسی تازه‌ای را پدید آوردند. این منابع معرفتی صرفاً ابعاد قدرت و اداره حکومت را تحت تأثیر قرار ندادند، بلکه نگاه سلجوقیان به جامعه، رفاه عمومی و شیوه‌های ارائه خدمات اجتماعی را نیز سامان بخشیدند. فهم سازوکار این تأثیرگذاری و نحوه تلفیق سه سنت یادشده، برای شناخت الگوی خدمات اجتماعی در عصر سلجوقیان ضرورتی بنیادین دارد، بنابراین در ادامه به بررسی

مبانی فکری و معرفتی سلجوقیان و بازتاب اندیشه اجتماعی خدمت به مردم در این منابع پرداخته می شود.

۳-۱- مبانی فکری و معرفتی ایرانی و بازتاب اندیشه خدمات اجتماعی:

در سنت اداری پیش از شکل گیری حکومت سلجوقیان، استمرار طولانی کار و تجربه اداری، تشکیلات دیوانی ریشه دار و مستقر، درآمدهای منظم حاصل از مالیات گیری و نیزارتشی نسبتاً ثابت مشاهده می شود (بویل، ۱۳۸۵: ۹ و ۲۰۱). سلجوقیان، بسیاری از جنبه های سیستم های حکومتی ایران پیش از اسلام، به ویژه مدل حکومت ساسانی (۲۲۴-۶۵۱ م) را پذیرفتند که بر اقتدار متمرکز، بوروکراسی و سیستم اداری منظم تاکید داشت.

در همین زمینه بارتولد با اشاره به نفوذ فرهنگ ایرانی در میان اقوام ترک ساکن گرگان در دوره ساسانی، یادآور می شود که ترکان پیش از ورود به جهان اسلام، از طریق تماس با تمدن ساسانی با اندیشه های ایرانی در باب حکومت، دین و عدالت آشنا شدند و حتی به آیین زرتشتی گرویدند (بارتولد، ۱۳۷۶: ۵۴). دوره سلجوقیان دوره تکوین و تکامل دیوانسالاری عریض و طویل با ریشه های عمیق تاریخی است که سنت آن مخصوصاً با ایرانیان این دوره پیوند خورده است (کلوزنر، ۱۳۸۱: ۹).

نظام دیوانی ساسانی نقش الگوی تاریخی در سامان‌دهی دستگاه اداری و مالی سلجوقیان ایفا کرد. مشاوران و وزیران ایرانی در شکل‌دهی به ساختار سازمانی دولت سلجوقی نقش حیاتی داشتند. باسورث معتقد است برای ترکان سلجوقی و جانشینان آن‌ها فرایند جذب شدن و تحلیل رفتن در فرهنگ و آداب و سنن بومی ایران ناساز و ناخوشایند نبود، زیرا آنان توانستند از سنن باستانی کشور در زمینه قدرت فائقه پادشاه و فرمانبرداری مردم به سود خود بهره‌برداری کنند.

از این گذشته این سنت‌ها قدرت پادشاه را با قدرت الهی یکی می‌دانست و در نتیجه به این دودمان‌ها در فراتر رفتن از خاستگاه قبیله ایشان کمک می‌کرد (بویل، ۱۳۸۵: ۹). در واقع از منظر اندیشه سیاسی ایران باستان، عدالت، تامین معاش و رفاه جامعه اساس پایداری قدرت تلقی می‌شد؛ بنابراین رسیدگی به وضعیت مردم در آن دوره روشی عملی برای حفظ پایه‌های حکومت به شمار می‌رفت. این نگاه هدفمند و عمل‌گرایانه در سیاست‌های سلجوقیان نیز تأثیر گذاشت. حاکمان ترک برای اینکه دیگر تنها به چشم فاتحانی صحراگرد دیده نشوند و تصویر یک پادشاه دادگر را از خود بسازند، از طریق تشکیلات اداری به ساختن مدرسه، بیمارستان و بناهای عمومی روی آوردند.

اندرزنامه ها، یا آئینه شاهان مسلمان در قرون میانه، حامل توصیه‌هایی در زمینه مشروعیت سیاسی، مسئولیت‌های حاکمان، محدودیت‌های قدرت، حفظ ثبات اجتماعی، اعمال قدرت، عدالت، رفاه عمومی و اطاعت اتباع هستند (Marlow, 2023: 123). خواجه نظام الملک طوسی که از نگاه بسیاری، برجسته‌ترین سیاستمدار زمان خود بود (یاوری، ۱۴۰۲: ۱۶)، طرح جامعی از حکومتداری را ارائه داد و توجه حاکمان را به تامین اجتماعی، رفاه و معیشت مردم، آبادانی مملکت و عدالت جلب کرد. او در کتاب «سیرالملوک» آبادانی مملکت را از وظایف پادشاه می‌داند و به وظایف حکومت درقبال اهل علم اشاره کرده و برآوردن نیازهای مالی و معیشتی آنان را جزئی از وظایف ذاتی حکومت قلمداد می‌کند (نظام الملک، ۱۳۸۳: ۷۹). این رویکرد خواجه، مصداق بارز پیوند سنت ایرانی با اهداف سیاسی سلجوقیان بود؛ جایی که خدمات آموزشی و حمایت مالی از نهادها، در خدمت تثبیت دیوان‌سالاری متمرکز قرار می‌گرفت. بارزترین مصداق تاریخی و اجرایی این سیاست، تأسیس و توسعه شبکه‌ی مدارس نظامیه در شهرهای مختلف ایران و عراق است؛ چنان‌که منابع تاریخی به احداث دست‌کم نه باب از این مدارس در شهرهای مهم اشاره کرده‌اند (بویل، ۱۳۸۵: ۷۶).

این نهادهای آموزشی علاوه بر ترویج چارچوب‌های فکری مطلوب حکومت، وظیفه تربیت کادرهای دیوانی و قضایی را بر عهده داشتند و بدین ترتیب، تأمین نیازهای

آموزشی جامعه را با ضرورت‌های سیاسی و انسجام ساختار حاکمیت گره می‌زدند. همچنین نظام الملک حمایت مالی سادات، غازیان، مرزبانان (همان: ۱۹۰) تأمین مالی اهل حرف (همان: ۱۱۹)، برابری فرصت‌های شغلی و منع بی‌کاری رعیت (همان: ۲۱۳-۲۱۵) را به حاکم سلجوقی یادآوری کرده و با آوردن «حکایت خر و گازر در پیشگاه انوشیروان»، توجه حاکمان را به تأمین اجتماعی و حقوق کارگزاران در دوران پیری جلب می‌کند: «پس حق رنج و خدمت بیست‌ساله او کجا می‌رود؟» (همان: ۵۵) خواجه بقای حکومت را در برقراری عدل می‌داند و معتقد است که پادشاه هفته‌ای دو بار باید به مظالم بنشیند (همان: ۱۸).

در این چارچوب، نهاد دیوان مظالم صرفاً یک دادگاه حکومتی نبود، بلکه تجلی نهادینه‌شده‌ی سنت دادخواهی در اندیشه ایرانی به شمار می‌رفت؛ سنتی که با دفع ظلم قدرتمندان از عامه مردم، کارکردی شبیه به حمایت عمومی و دادخواهی اجتماعی داشت. تجلی عملی این رویکرد در عملکرد سلاطین سلجوقی نیز مشهود است؛ چنان‌که بر اساس گزارش بنداری، طغرل پس از ورود به نیشابور، هفته‌ای دو روز؛ یکشنبه و چهارشنبه شخصاً در دیوان مظالم به رسیدگی به شکایات مردم می‌نشست (بنداری، ۱۳۵۶: ۸). این رویه نشان می‌دهد که نهاد مظالم، به عنوان حلقه وصل قدرت سیاسی و تظلم خواهی رعایا، نقشی بنیادین در تثبیت نظم اجتماعی و مشروعیت‌بخشی به حاکمیت ایفا می‌کرده است.

متفکر دیگر این دوره؛ ابوحامد غزالی، نیز در «نصیحه الملوک» رفع نیازها و حوائج مسلمانان را بر انجام عبادات مستحب و نوافل مقدم می‌شمارد و بر رعایت احوال رعیت تأکید و تأمین رفاه آنان را بر حاکم لازم می‌داند (غزالی/الف، ۲۰۰۸: ۵۵). وی همچنین سنت اندرزنامه‌های عصر ساسانی را پی می‌گیرد و با تأکید بر مسأله عدالت که رهاورد توأمان دین و دنیا است، سلطان را به عدالت گستری فرا می‌خواند. او عدالت را یکی از شرایط دوام ملک معرفی کرده است (همان: ۱۹).

ماوردی، یکی دیگر از نظریه پردازان دوره میانه در کتاب «الاحکام السلطانیه»، به بررسی نهادهایی مانند حسبه و مظالم می‌پردازد که در آن زمان، متولی ارائه خدمات اجتماعی بودند. او رعایت حقوق مردم را معادل رعایت حق الله می‌داند و معتقد است حاکم دو حق بر گردن مردم دارد؛ حق تبعیت و حق حمایت (ماوردی/الف، ۲۰۰۳: ۲۷).

ماوردی در اثر دیگرش؛ «تسهیل النظر و تعجیل الظفر» نیز علاوه بر تأکید بر مسأله عدالت، مسئولیت‌هایی را نیز، برای حاکم برمی‌شمرد که آباد کردن مملکت و حفاظت از رعیت از جمله آنهاست (ماوردی/ب، ۱۹۸۱: ۱۵۸). کتاب «آداب الملوک» ثعالبی نیز بر ضرورت وجود پادشاهان برای رفاه مردم و جایگاه ویژه آنان در نزد خداوند تأکید می‌شود و تبعیت از حاکمان را برای رعایا امری واجب می‌داند (ثعالبی، ۲۰۰۵: ۳۳). ثعالبی فصلی را به بحث عدالت به عنوان برترین اخلاق

حاکمان اختصاص داده است و عدالت را عامل قوام دین، ستون ملک و بنیان سیاست معرفی می‌کند (همان: ۸۹).

بنابراین بررسی اندرزنامه‌ها و آثار سیاست‌نامه‌ای قرون میانه؛ *سیرالملوک* خواجه نظام‌الملک، *نصیحه‌الملوک* غزالی، *الاحکام السلطانیة* ماوردی و *آداب‌الملوک* ثعالبی نشان می‌دهد که این متون نقشی اساسی در تولید و انتقال اندیشه خدمات اجتماعی در دوره سلجوقیان داشته‌اند. اشتراک این آثار در تأکید بر عدالت، ضرورت رفاه رعیت، حفظ ثبات و امنیت اجتماعی، محدودیت قدرت حاکم، و وظیفه حکومت در آبادانی و تأمین معیشت مردم، نشان از وجود یک سنت فکری یکپارچه دارد. در این چارچوب مفهومی، خدمات اجتماعی مجموعه‌ای از تدابیر اخلاقی-سیاسی در سنت ایرانی است که با هدف حفظ عدالت، رفاه رعیت و به منظور بقای سلطنت و مشروعیت‌بخشی به قدرت سلجوقیان تبیین و اجرا می‌شده است.

۲-۳- مبانی فکری و معرفتی اسلامی و بازتاب اندیشه های خدمات اجتماعی:

ترکان سلجوقی از همان لحظه ای که وارد جهان اسلام شدند، در نخستین گام اسلام را پذیرفتند و به هویت مذهبی مشخصی دست یافتند (اسدیپور، ۱۳۹۹: ۲۰۹). آن‌ها اسلام را نه فقط به عنوان یک دین، بلکه به عنوان پشتوانه فکری، سیاسی و

مشروعیت بخش حکومت خود انتخاب کردند و به خوبی دریافتند که برای حکومت بر دلهای مسلمانان، پذیرش و اجرای احکام اسلام ضرورت دارد (کلوزنر، ۱۳۸۱: ۹)

اسلام به عنوان دین رسمی و محوری حکام سلجوقی نقش تعیین کننده ای در شکل دهی به ایدئولوژی سیاسی و اجتماعی آن ها ایفا کرد. مفهوم شریعت راهنمای اصلی آنان در اداره جامعه بود و اصول اسلامی در برقراری عدل و حفظ حقوق رعیت از تکالیف بنیادین حاکمان شمرده می شد. سلجوقیان خود را حامیان و نگهبانان شریعت می دانستند، در نتیجه احساس وظیفه دینی، آنان را وادار می کرد که رفاه رعایا را تامین کنند و در جهت رفع نیازهای عمومی بکوشند. به قول امی سینگر سلاطین، هم زمان با تلاش برای نجات و رستگاری خویش، زمینه رفاه هزاران نفر را فراهم می ساختند و هم چنین باعث شکوفایی و پیشرفت پایتخت خود می شدند (سینگر، ۱۳۹۶: ۱۹۲).

بنابراین سیاست های حمایتی در عصر سلجوقی به نهادهای مدنی-شرعی نظیر وقف و حسبه گره خورد بود. تعالیم اسلامی درباره زکات، صدقه جاریه و انفاق، بستر حقوقی لازم را برای نهاد وقف فراهم آورد؛ سازوکاری که بار اصلی تأمین مالی خدمات آموزشی، درمانی و رفاهی را بر دوش می کشید و به مدت طولانی نه تنها باعث پیشرفت مراکز شهری و روستایی شد، بلکه عامل مهم استقرار مردم در نواحی

فتح شده و پیشرفت آن مناطق نیز بود (همان: ۱۹۶) و از سوی دیگر، نهاد حسبه به عنوان بازوی اجرایی شریعت، نظارت بر بازار، قیمت‌ها و بهداشت عمومی شهری را تضمین می‌کرد (ابن اخوه، ۱۳۹۵: ۱۴-۱۸). در همین راستا، محتسب مقامی بود که سلطان سلجوقی از طریق آن با رعایایش تماس می‌یافت و وظیفه او تأمین نظارت بر رفاه عادی مردم شهری بود (بویل، ۱۳۸۵: ۲۵۹-۲۶۱). از این رو، بررسی مبانی فکری این نهادها در منابع بنیادین اسلامی؛ قرآن، حدیث، فقه و عرفان برای درک منطق حاکم بر خدمات اجتماعی این دوره ضروری است.

۳-۲-۱- قرآن کریم

خدمات اجتماعی به منظور برقراری عدالت اجتماعی، کاهش نابرابری‌ها و ارتقاء رفاه عمومی در جامعه ارائه می‌شوند. اصولاً نظام اجتماعی بر پایه تعاون، همیاری و محرومیت‌زدایی بنا شده است و دلیل پناه آوردن انسان به جامعه این است که به تنهایی قادر به تأمین نیازهای خود نیست و در هنگام بروز خطر نیازمند یاری و کمک دیگران است. در قرآن کریم آیات زیادی وجود دارند که مفهوم خدمات اجتماعی را در قالب مفاهیم حمایتی بر پایه اصل تکافل اجتماعی، تعاون و تکلیف شرعی بیان می‌کنند (زاهدی اصل، ۱۳۸۷: ۱۹).

خداوند در آیه ۶۰ سوره توبه به مصارف هشت‌گانه زکات اشاره می‌کند و می‌فرماید:

« إِنَّمَا الصَّدَقَاتُ لِلْفُقَرَاءِ وَالْمَسْكِينِ وَالْعَامِلِينَ عَلَيْهَا وَالْمُؤَلَّفَةِ قُلُوبُهُمْ وَفِي الرِّقَابِ وَالْغَارِمِينَ وَفِي سَبِيلِ اللَّهِ وَابْنِ السَّبِيلِ فَرِيضَةً مِّنَ اللَّهِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ ». این آیه نشان می‌دهد که اختصاص شماری از درآمدهای مالیاتی مانند زکات، فقط متعلق به قشر ضعیف جامعه نیست بلکه راه حلی از طرف اسلام برای واقعیتی خارجی جامعه در برابر مشکلات، محرومیت زدایی و جلوگیری از تمرکز ثروت است.

افزون بر این، قرآن در آیه در آیه ۱۹ سوره زاریات («وَفِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ لِّلسَّائِلِ وَالْمَحْرُومِ») بر مسئولیت اغنیا در قبال اقشار آسیب‌پذیر تأکید دارد. این رویکرد حمایتی در آیه ۲۷۳ سوره بقره در لزوم رسیدگی به ازکارافتادگان و نیازمندان، و در آیات ۱۱ تا ۱۷ سوره بلد در قالب توصیه به آزادسازی بردگان و اطعام مساکین بسط یافته است. این آموزه‌ها در عصر سلجوقی، پشتوانه اخلاقی اعیان، وزرا، سلاطین و خاتونان برای تخصیص بخشی از اقطاع و املاک خود به موقوفات عام‌المنفعه و کمک به نیازمندان گردید (بنداری، ۱۳۵۶: ۶۷؛ جعفری، بی تا: ۲۶۷).

در مورد وظایف حکام نسبت به مردم، قرآن کریم در آیه ۱۵۹ سوره آل عمران از دو وظیفه مهم و اساسی حاکم اسلامی در برابر مردم سخن می‌گوید و می‌فرماید

«فَبِمَا رَحْمَةٍ مِّنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاسْتَغْفِرْ لَهُمْ وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ

الْمُتَوَكِّلِينَ». بر طبق این آیه، این دو ویژگی عبارتند از: ۱- سعه صدر که این ویژگی در رهبری اجتماعی بسیار مهم است زیرا عاملی حیاتی در حفظ پیوند میان حاکم و رعایا و جلوگیری از فروپاشی پایگاه اجتماعی حکومت است و ۲- مشورت و شورا که در بستر تاریخی خود به معنای لزوم تعامل و همفکری حاکم با نخبگان، بزرگان و اهل حل و عقد است. این تعامل باعث می‌شد تا حاکم ضمن پرهیز از استبداد رأی و آشنایی با نیازهای بومی رعایا، حمایت نخبگان جامعه را برای اجرای سیاست‌ها و مشروعیت‌بخشی به حکومت خود جلب نماید.

مصادق بارز پیوند این مبانی با عمل سیاسی در عصر سلجوقی، در رویکرد مشورتی طغرل هنگام ورود به نیشابور قابل مشاهده است. به گزارش بیهقی، طغرل پس از جلوس بر تخت، از قاضی صاعد؛ قاضی منصوب غزنویان تقاضای نصیحت و راهنمایی کرد و گفت: «ما مردان جدید و غریبه‌ایم و آداب و رسوم ایرانیان را نمی‌دانیم.» (بیهقی، ۱۳۸۴: ۷۳۲). این اقدام نشان می‌دهد که طغرل به‌رغم برخورداری از اقتدار نظامی، با تحقق عملی اصل مشورت با بزرگان و نخبگان شهر، تلاش کرد تا ضمن آگاهی از نیازهای بومی رعایا، از برقراری نظم و امنیت و تثبیت پایگاه اجتماعی خود در دوره گذار قدرت اطمینان حاصل کند.

همچنین، خداوند در آیات متعددی بر اقامه عدل و داد تأکید می‌کند، چنانکه در آیه ۱۳۵ سوره نساء می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ بِالْقِسْطِ» یعنی

ای کسانی که ایمان آورده‌اید عدالت را برپا دارید. همچنین در سوره حدید آیه ۲۵ می‌فرماید: «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ». بنابراین، می‌توان گفت تحقق عدالت و تعادل در جامعه قرون میانه اسلامی، مستلزم پایبندی حاکمان به تکالیف شرعی خود در قبال توزیع عادلانه منابع و رعایت حال رعیت بود.

در نتیجه می‌توان گفت: تمامی این آیات و آیات مشابه به عنوان اسناد دینی برای پاسخ‌گویی به نیازهای مختلف افراد و جامعه طراحی شده‌اند که حاکمان دوره‌های بعد، از جمله حکام سلجوقی، با تکیه بر آن‌ها به ارائه خدمات اجتماعی بپردازند تا هم به تکالیف شرعی خود عمل کنند و هم مشروعیت سیاسی و ثبات ملک خود را تضمین نمایند.

۳-۲-۲ - منابع حدیثی:

احادیث نبوی به مثابه مبانی فکری و تکالیف شرعی، نقش مهمی در تبیین مسئولیت حاکمان و کارگزاران در ایام سختی ایفا می‌کردند. این آموزه‌ها وظیفه مستقیم صاحبان قدرت را در قبال رفتار با مستمندان، دفع ضرر از مصیبت‌زدگان و تأمین حداقل معیشت رعایا روشن می‌ساختند.

در امتداد همین رویکرد و برای تبیین عملی این تکالیف شرعی، پیامبر اسلام (ص) در احادیثی بهترین کارها در نزد خداوند را اطعام فقیران (بخاری، ۱۴۱۰، ج ۱: ۲۲؛ کلینی، ۱۳۸۸، ج ۲: ۵۷۸) و قرض دادن، به نیازمندان (سیوطی، ۱۹۹۴، ج ۴: ۴۰۲؛ کلینی، ۱۳۸۸، ج ۳: ۱۰۱)، می دانند. ایشان همچنین، کمک به مصیبت زدگان (مسلم نیشابوری، ۱۴۳۵، ج ۶: ۴۴۳؛ کلینی، ۱۳۸۸، ج ۳: ۱۹۹)، عیادت مریضان (بخاری، ۱۴۱۰، ج ۹: ۱۰۷؛ کلینی، ۱۳۸۸، ج ۳: ۸۸۲)، و رعایت حقوق همسایگان (مسلم نیشابوری، ۱۴۳۵، ج ۱: ۳۹۸؛ کلینی، ۱۳۸۸، ج ۲: ۵۷۹)، را به مردم توصیه می کنند.

در حدیث مشهور دیگری، پیامبر، همه انسان‌ها، به ویژه امرا و حکام را در قبال زیردستانشان مسئول می‌داند و می‌فرماید: «أَلَا كُلُّكُمْ رَاعٍ. وَكُلُّكُمْ مَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ. فَالْأَمِيرُ الَّذِي عَلَى النَّاسِ رَاعٍ، وَهُوَ مَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ.» (بخاری، ۱۴۱۰، ج ۸: ۱۷۶؛ مسلم نیشابوری، ۱۴۳۵، ج ۳: ۱۵۹). تجلی عملی این پیوند فکری را می‌توان در عملکرد نهادهای شهری و کارگزاران حکومت سلجوقی در مواقع بحران مشاهده کرد. به عنوان مثال، در جریان قحطی سال ۴۶۲ هجری در نیشابور، رئیس شهر در راستای همین مسئولیت حاکمیتی و شرعی، دستور داد تا همه‌روزه نان و غذا طبخ شده و میان فقرا و قحطی‌زدگان توزیع گردد (فارسی، ۱۳۸۴: ۵۲). این اقدام نه تنها نشان‌دهنده درک حاکمیت از تکالیف شرعی خود در قبال رعایا است، بلکه

نمونه‌ای عینی از تجلی احادیث نبوی در مواقع بحران و گرفتاری در جامعه می باشد.

۳-۲-۳- منابع فقهی

در اندیشه سیاسی-مذهبی دوره میانه و به‌ویژه عصر سلجوقیان، علم فقه نه تنها تنظیم‌کننده احکام فردی، بلکه چارچوبی برای تبیین تکالیف متقابل حاکم و رعیت بود. در این متون، آنچه امروز به عنوان کارکردهای حمایتی حکومت شناخته می‌شود، ذیل مفاهیمی چون حقوق رعایا، رفع ظلم و تکافل اجتماعی تفسیر می‌شد. به عنوان نمونه، امام‌الحرمین جوینی، از فقیهان برجسته عصر سلجوقی، در رساله «غیاث‌الامم فی التیایات‌الظلم»، قدرت و شوکت سلاطین را موهبتی الهی می‌داند که غایت آن، حفظ حقوق رعایا و صیانت از آنان در برابر متعديان و ظالمان است (امام‌الحرمین جوینی/الف، ۲۰۱۱: ۱۹۸). ایشان در کتاب دیگر خود؛ «نهایه‌المطلب فی درایه‌المذهب» ضمن بحث پیرامون جواز پرداخت زکات به سلطان، بر لزوم تمرکز منابع مالی در دست حاکمیت به منظور حفظ نظام و امنیت جامعه تأکید می‌ورزد (امام‌الحرمین جوینی/ب، ۲۰۰۷، ج ۳: ۱۱۴)، این رویکرد، مبنایی فقهی برای نهادهای گردن منابع مالی حکومت در جهت تأمین مصالح عامه فراهم می‌کرد.

ماوردی نیز در کتاب فقهی خود «الحاوی الکبیر فی فقه مذهب الامام الشافعی» هدف از تشریع احکام دینی را اقامه عدل و از بین بردن سختی ها و مشکلات زندگی مردم می داند (ماوردی/پ، ۱۹۹۴، ج ۱: ۱۰۳) و نتیجه می گیرد که حاکمان مسلمان، باید در اجرای احکام دینی، این اهداف را سرلوحه کارهای خود قرار دهند. ابو اسحاق شیرازی بر این باور است که یکی از وظایف اصلی حاکمیت، تامین نیازهای اساسی جامعه، به ویژه حفظ حقوق کودکان بی پناه است و معتقد است که حاکم باید نقش فعالی در حمایت از اقشار ضعیف جامعه ایفا کند و در خصوص نگهداری و سرپرستی کودکان اظهار می دارد که اگر کودکی هیچ کس را نداشت، وظیفه حضانت و سرپرستی او بر عهده سلطان و حاکم است (ابواسحاق شیرازی، ۲۰۰۳، ج ۳: ۲۲۷). بنابراین میتوان گفت مسئولیت کفالت افراد نیازمند و بی سرپرست در این دوره، نه صرفاً یک اقدام مستحب، بلکه تکلیفی فقهی و الزام آور بر دوش حاکمیت تلقی می گردید.

۳-۲-۴- منابع عرفانی:

متون عرفانی به عنوان بخش مهمی از ادبیات دوره میانه، با ترویج اصولی چون فتوت، مواسات و شفقت بر خلق، تأثیر عمیقی بر مناسبات اجتماعی نهادند. «رساله قشیریه» که یکی از متون مهم در تصوف اسلامی است، به اهمیت توجه به حقوق مردم و رعایت عدالت در بین صوفیان اشاره دارد و در باب فتوت، اصل فتوت را

تلاش همیشگی انسان برای خدمت به دیگران می داند. وی به سخنی از پیامبر(ص) استناد می کند که می فرماید: خداوند پیوسته در حال برآورده کردن نیازهای بنده اش خواهد بود؛ مادامی که آن فرد نیز در حال برآوردن نیازهای برادرش باشد (قشیری، ۱۳۷۴: ۲۳۷).

محمد غزالی نیز در کتاب «*احیاء العلوم/الدین*» در بخش؛ مزمت دنیا، به تحلیل شالوده حیات اجتماعی پرداخته و نیازهای بنیادین بشر را در طعام، مسکن و لباس خلاصه می کند (غزالی/ب، ۱۳۵۶، ج ۹: ۱۷۴۳). از منظر وی، آدمیان برای تأمین این حوایج ناگزیر از تعاون و همیاری اند (همان: ۱۷۴۵) و از آنجا که این تعاملات گاه به تنازع می انجامد، ضرورت وجود حاکمی عادل برای دفع فساد و اقامه عدل اجتناب ناپذیر است (همان: ۱۷۴۸). او فقه را دانشی مرتبط با مصالح دنیوی می داند که ابزار لازم را برای بازستاندن حق مظلومان در اختیار حاکم قرار می دهد. به باور غزالی، سلاطین برای بسط عدالت بر تخت نشسته اند و از آنجا که در اجرای احکام نیازمند ضابطه شرعی اند، به فقها رجوع کرده و از دانش آنان بهره می جویند.

بر این اساس، می توان دریافت که اندیشه دستگیری از ضعفا و رعایت احوال عامه در متون بنیادین اسلامی، دارای شالوده ای منسجم و الزام آور است. این متون با تأکید بر اقامه عدل، دفع ظلم، مواسات و تکافل اجتماعی، چارچوب فکری روشنی برای سامان دهی امور جامعه ارائه می کنند. از بطن همین آموزه ها، مجموعه ای از

نهادهای و سازوکارهای حمایتی همچون وقف، نهاد حسبه، دیوان مظالم، جمع‌آوری زکات، و کفالت ایتام و ازکارافتادگان تکوین یافت که در حکم ستون‌های اصلی سیاست اجتماعی اسلامی هستند.

سلجوقیان نیز به عنوان سلاطین ادوار میانه، بازتاب عینی این اندیشه‌ها را در سطح حکمرانی خویش متجلی ساختند. آنان اهتمام به امور عام‌المنفعه و رفع عسرت از رعایا را نه تنها تکلیفی شرعی بلکه ابزاری برای تحکیم مشروعیت سیاسی و تثبیت نظم اجتماعی می‌دانستند. توسعه نهادهای آموزشی، درمانی و گسترش موقوفات در این عصر، تجلی عملی همین آموزه‌هاست. بنابراین، سیاست اجتماعی سلجوقیان را باید استمرار تاریخی همان اصولی دانست که منابع اسلامی در قالب یک جهان‌بینی اخلاقی و دینی برای حکومت ترسیم کرده است.

۳-۳ مبانی فکری و معرفتی ترکی و بازتاب اندیشه خدمات اجتماعی:

مبانی فکری و سنت سیاسی ترکان، مجموعه‌ای از الگوهای حکمرانی، ارزش‌های قبیله‌ای و هنجارهای اجتماعی را شکل می‌دهد که تأثیر آن بر سیاست و نظام اداری سلجوقیان انکارناپذیر است. مقصود از سنت ترکی در پژوهش حاضر، آن دسته از باورها و سنت‌های سیاسی - اجتماعی استپ‌نشینان ترک آسیای مرکزی؛ به‌ویژه سنت‌های اغوزی پیش از اسلام است که پس از مهاجرت اقوام ترک به فلات

ایران و جهان اسلام، همچنان در ساختار قدرت و رفتار سیاسی آن‌ها تداوم یافت و در زمان سلجوقیان، به شکل‌گیری حکومتی انجامید که حضور پررنگ سنت‌های ایلی و نظامی ترکان در ساختار و ارکان آن کاملاً نهادینه شده بود. بر پایه همین سنت سیاسی، رئیس قبیله ضامن تأمین معاش، حفظ امنیت و سامان‌دهی زندگی جمعی افراد تحت فرمان خود تلقی می‌شد؛ از این رو، پایبندی به سنت‌های اغوزی برای حاکمان سلجوقی، تنها یک رویه ایلی نبود، بلکه ابزاری پر قدرت در عرصه حکمرانی و مشروعیت‌بخشی به قدرت سیاسی آنان نیز به‌شمار می‌رفت (Peacock, 2015: 190).

در نظام قبیله‌ای ترکان، تأمین امنیت راه‌ها، حمایت از طبقات ضعیف، رسیدگی به مشکلات قبیله و ایجاد همبستگی درون‌گروهی از مهم‌ترین وظایف خان به‌شمار می‌رفت (Thomsen, 1896: 868; Yusuf Has Hacib, 2008: 895). چنین مسئولیت‌هایی، هرچند در قالبی غیرنهادی و مبتنی بر پیوندهای خویشاوندی و نظام شبانی بود، اما در عمل کارکردی مشابه با خدمات اجتماعی داشت که بعدها در قالب رسمی‌تر، در ساختار حکمرانی سلجوقیان بازتولید شد.

از این منظر، اندیشه خدمات اجتماعی در دوره سلجوقیان تنها ریشه در منابع اسلامی و ایرانی نداشت، بلکه بر پایه سنت دیرینه ترکی، که شخص خان را مسئول حمایت از قبیله خود و تضمین نیازهای عمومی آن‌ها می‌دانست، نیز استوار بود.

در ادامه، این مبانی فکری ترکی و نقش آن‌ها در جهت‌دهی به الگوی خدمات و حمایت اجتماعی در حکومت سلجوقیان مورد بررسی و تحلیل قرار می‌گیرد.

۱-۳-۳- کتیبه‌های اورخون:

یکی از منابع مهم در بررسی مبانی فکری و معرفتی سنت ترکی، ویرایش نهایی «کتیبه‌های اورخون» به تصحیح پروفیسور ویلهلم تامسن است که ترجمه انگلیسی آن توسط دنیسون راس منتشر شده است. این کتیبه‌ها تصویری روشن از ساختار زندگی اجتماعی ترکان، مفهوم اتحاد و نیز وظایف متقابل حکومت و مردم ارائه می‌کنند. کتیبه‌های یادشده شامل دو یادبود مشهور به افتخار کول‌تگین و برادرش بیلگه خاقان هستند که به‌ترتیب در سال‌های ۷۳۲ و ۷۳۵ میلادی برپا شده‌اند (Thomsen, 1896: 861).

در کتیبه بیلگه خاقان آمده است که من به فرمان و اراده ی آسمان و خدا و با بخت بلند خود به خاقانی جلوس کردم. مردم گرسنه و فقیر را گرد آوردم، فقیران را غنی ساختم و اندک مردم را پرجمعیت ساختم (Ibid: 863) و در ادامه می‌گوید من فرمانروای مردمی موفق و پرزرق و برق نشدم. من فرمانروای مردمی شدم که برهنه، گرسنه و فقیر بودند. با برادر کوچکم گیل تگین تا حد مرگ برای آرامش مردم ترک تلاش کردیم. برای سروسامان دادن مردم دوازده لشکرکشی انجام دادم و

شب ها برای راحتی و وحدت آنان چشم بر هم نزدم تا فقیران را غنی ساختم و غنیان را به مقام بالاتر رساندم و سرانجام مردم برای حفظ صلح و پایان دادن به خصومت ها از من اطاعت کردند و من را می پرستیدند (ibid: 867&868).

بنابراین بر اساس این نوشته ها می توان گفت که فرمانرویان ترک خود را موظف می دانستند که برای تامین رفاه حال مردم تلاش کنند و یکی از مهمترین نکاتی که اینجا برای تامین معاش و رفاه به آن اشاره شده است؛ تدارک لشکرکشی برای گرفتن اسب و غنایم از دشمن بود که خاقانان ترک از این طریق می توانستند نیازهای معیشتی مردم خود را تامین کنند.

تجلی عملی این سنت ترکی در زمان سلطان طغرل و آلب ارسلان، با هدایت قبایل ترکمن به سمت مرزهای آناتولی و قفقاز بازتاب یافت. (بویل، ۱۳۸۵: ۴۹) این سیاست، نه تنها پاسخی به نیاز حیاتی ایلات برای دسترسی به مراتع تازه و تأمین معیشت بود، بلکه مانع از بروز تنگنای اقتصادی و تعارض آن ها با جمعیت های یکجانشین در نواحی مرکزی امپراتوری می شد. این رویکرد را می توان استمرار همان تعهد تاریخی و ایلی خاقان در صیانت از حیات مادی و تسهیل معیشت اتباعش ارزیابی کرد.

۲-۳-۳- کتاب «قوتادغو بیلک»^۱ :

یکی از مهم ترین منابعی که می توان از خلال آن بنیان اندیشه خدمات اجتماعی و وظایف حکومت در قبال جامعه را استخراج کرد، کتاب «قوتاد غوبیلیک» اثر یوسف خاص حاجب است (عکس ۱). این کتاب قدیمی ترین متن ترکی در قالب آداب الملوک است (Yusuf Has Hacib, 2008: 69) . موضوع کتاب چگونگی دستیابی انسان به خوشبختی دنیوی و اخروی، و هم چنین چگونگی اداره ی امور یک کشور است. این اثر منظوم و در سال ۴۶۲ هجری در [کاشغر](#) نوشته شده است (Marlow, 2023: 144).

نویسنده چگونگی اداره کشور را در قالب مناظره چهار نفر شخصیت آرمانی توضیح می دهد، که هر یک نماد مفهومی خاص هستند؛ پادشاه مظهر عدالت، وزیر نماد سعادت، پسر وزیر مظهر عقل و خرد و برادر وزیر نماد عاقبت و فرجام هستند (Yusuf Has Hacib, 2008: 81). نویسنده از مناظره بین این شخصیت ها یادآوری می کند که پادشاه چگونه باید امور کشور خود را اداره کند تا قلمرو او آباد شود، مردمش ثروتمند گردند و نام او پس از مرگش به عظمت برسد. او معتقد است که پادشاه باید امور کشور را به افراد شایسته واگذار کند و در ادامه از حقوق دو جانبه

^۱ علم سعادت

مردم و پادشاه بر یکدیگر حرف می زند و می گوید همان طور که پادشاهان بر مردم حق دارند، مردم نیز به همان میزان بر پادشاهان حق دارند (Ibid: 77). او در ادامه عدالت را به ستون آسمان تشبیه کرده است که اگر؛ خون آلوده شود، آسمان نمی تواند در جای خود بایستد (Ibid: 615) ، بنابراین در نظام فکری او ظلم به مردم، مهم ترین عامل زوال حکومت ها و برقراری عدالت عامل اصلی حفظ و بقای حکومت است.

نویسنده در اشعاری دیگر حمایت از فقرا، بیوه ها و یتیمان را نه لطف پادشاه بلکه اجرای درست قانون می داند (Ibid: 891) ، نگرشی که نشان می دهد اқشار بی پناه دارای جایگاه و صاحب حق هستند و اجرای عدالت و قانون زمانی محقق می شود که نیازهای این قشر نیز تامین شود. در این چهارچوب خدمات اجتماعی نه فقط یک اقدام اخلاقی موقتی بلکه وظیفه ای ساختاری و قانونی برای حکومت تلقی می شود.

در ادامه «قوتادغوبیلیک» در ابیات مربوط به ساختار اداری نیز همان منطق خدمات اجتماعی را به سطح نهادی می کشاند. نویسنده در آغاز این بخش تأکید می کند که پادشاه باید برای سه منصب بنیادی؛ قاضی، جانشین پادشاه و وزیر، افراد بسیار برجسته ای را برگزیند؛ زیرا کیفیت این سه جایگاه مستقیماً بر عدالت، رفاه و آرامش اجتماعی اثر می گذارد. قاضی باید پاک و پرهیزگار باشد تا بتواند از حقوق

مردم، به‌ویژه ضعفا، صیانت کند؛ جانشین باید صادق و قابل اعتماد باشد تا جامعه در امنیت و آسودگی زندگی کند؛ و وزیر، که مسئولیت تأمین رفاه مردم بر عهده اوست، باید برجسته و درستکار باشد تا چرخه معیشت و خدمات اجتماعی دچار فساد نشود (Ibid: 895). تجلی نهادی و تاریخی این الگوی آرمانی مندرج در «قوتادغو بیلیک» را می‌توان در ساختار دیوانی امپراتوری سلجوقی، به‌ویژه در عصر آلبارسلان و ملکشاه و تحت صدارت خواجه نظام‌الملک طوسی مشاهده کرد. این دیدگاه نشان می‌دهد که اندیشه خدمات اجتماعی تنها به حمایت از فقرا محدود نمی‌شود، بلکه نیازمند ساختار اداری سالم، نخبگان اخلاق‌مند و نظام تصمیم‌گیری عادلانه است. اگر این سه منصب درست اداره شوند، کشور سامان می‌یابد، ثروت عمومی افزایش می‌یابد و مردم برای پادشاه دعا می‌کنند؛ اما اگر نالایقان بر این جایگاه‌ها بنشینند، نه تنها عدالت از بین می‌رود، بلکه زندگی همه مردم تباہ می‌شود. به این ترتیب، متن با زبانی روشن بیان می‌کند که ساختار اداری سالم، ستون‌های خدمات اجتماعی و اساس مشروعیت حکومت‌اند.

در تداوم همان منطق فکری، نویسنده نتیجه می‌گیرد که نظم جامعه تنها به وظایف پادشاه و کاغزاران محدود نمی‌شود، بلکه مسئولیت جمعی جامعه را نیز در بر می‌گیرد. نویسنده با اشاره به اینکه: **از میان مشکلات و چالش‌ها، باید به سوی همکاری و رشد حرکت کرد و اگر همه متحد باشند و به وظایف خود عمل کنند،**

در نهایت، همه چیز درست و آینده روشن است (Ibid: 896) تاکید می کند که سامان اجتماعی نتیجه مشارکت همه افراد و عمل هر کس به وظایف خویش است. با این نگرش خدمات اجتماعی صرفاً یک سیاست حکومتی نیست، بلکه فرایند مشارکتی است که نیازمند همبستگی، نظم و همکاری عمومی است و رفاه و عدالت محصول هم افزایی میان حکومت عادل و جامعه مسئولیت پذیر است.

بنابراین می توان گفت در کتاب «هوتادغو بلیک» بنیان اندیشه خدمات اجتماعی فراتر از لطف پادشاه، و به عنوان یک وظیفه ساختاری و قانونی برای حکومت معرفی می شود. این متن بر عدالت، حقوق دوجانبه مردم و حاکم، و لزوم وجود ساختار اداری سالم برای تضمین رفاه و امنیت اجتماعی تأکید دارد و پایداری حکومت را در اجرای عدالت و حمایت از اقشار آسیب پذیر می داند.

۳-۳-۳ - شهنامه سلجوق:

در فرآیند بازسازی تاریخی ذهنیت اجتماعی، اندیشه خدمات اجتماعی و ساختار اجتماعی ترکان اغوز و سلجوقیان، توجه به میراث فکری و مکتوب آنان نقش قابل

توجهی دارد. یکی از منابع مورد توجه در این زمینه نسخه خطی با عنوان «شهنامه سلجوق»^۱ از زبان لطفی است (عکس ۲ و ۳).

«شهنامه سلجوق» تنها یک روایت اسطوره‌ای از تبار اغوز و سلجوقیان نیست؛ بلکه در بطن خود حامل مجموعه‌ای از ارزش‌ها و اصول اجتماعی است که در سنت سیاسی و فرهنگی ترکان اغوز جایگاه برجسته‌ای دارد. شاعر این منظومه، با تفسیر اساطیر آغازین و روایت نیاکان سلجوقیان، نوعی الگوی آرمانی از حکمرانی مبتنی بر عدالت، نیکی، تعاون و خدمت به خلق ارائه می‌کند. از این رو، تحلیل محتوای این اثر به‌ویژه در بخش‌های آغازین آن، امکان بررسی جلوه‌های بارز اندیشه خدمات اجتماعی را فراهم می‌سازد.

در آغاز «شاهنامه سلجوق»، روایت تولد اغوز و سخن گفتن او در گهواره و در آغوش مادر، به عنوان نشانه‌ای از حلول روح الهی در او نشان داده شده است. امری که جایگاه او را فراتر از یک رئیس قبیله می‌نشانند و او را حامل پیام الهی نیکی و عدالت در سنت ترکی معرفی می‌کند. (لطفی: ۲_۳) آن چنان که مشروعیت

^۱ - طبق گزارش فخرنا، تنها نسخه موجود از این اثر در کتابخانه مجلس شورای اسلامی به شماره ۱۴۹۹ نگهداری میشود. (مصطفی درایتی، ۱۳۹۰: ج ۲۱/ص ۲۸۸)

سیاسی اغوز نیز از همین اتحاد با نور الهی سرچشمه می گیرد؛ مفهومی که شاعر در ابیات زیر به روشنی بیان کرده است؛

«روزی اغوز در تنها بود بسروحدت در آفاق نوا بود

دید که با آن ظلمت بدید پرتو پرنور از سما شد نمید

ازین پرتو نور دید افلاک را تماشا کرد بسر وحدت شان اتراکرا

کرد سپاس خالق بیچون فضل انعام او چنین ز هائف و...» (همان: ۳)

از نگاه شاعر، این مشروعیت تنها زمانی تحقق می یابد که نور هدایت و وحدت الهی در قالب عدالت، نیکی و خدمت به خلق در جامعه تجلی یابد. عدالت در این منظومه رکن اصلی نظام سیاسی و ضامن بقای اجتماعی معرفی شده است (همان: ۱۵).

در جایی دیگر، شاعر آیین اطعام و مهمان نوازی را به مثابه سنتی مقدس توصیف کرده است؛ سنتی که آشکارا یکی از مهم ترین نموده های خدمت اجتماعی در فرهنگ اغوزی است (همان: ۸). در حوزه حقوق و نقش اجتماعی زنان، این اثر دیدگاهی پیشرو ارائه می دهد؛ شاعر از حضور فعال زنان در کار، سفر و حتی در میدان نبرد یاد می کند و زن را در جامعه اغوزی موجودی محترم، موثر، صاحب نقش و برخوردار از اختیار اجتماعی می داند (همان: ۸_۹). این استقلال عمل و

جایگاه ممتاز زنان در جامعه اغوز، بعدها در ساختار دولت سلجوقی و مشارکت فعال بانوان خاندان سلطنتی در امور عام‌المنفعه تجلی یافت؛ مصداق بارز این استمرار فرهنگی، اقدامات ارسلان خاتون در یزد، اعم از بنای مساجد و برپایی مستمر سفره‌های اطعام عامه تا خیرات روزانه برای یتیمان و بیوه‌زنان است (جعفری، بی تا، ۳۷ و ۳۸؛ ازغندی، ۱۴۰۲: ۱۰۳ و ۱۰۴).

شاعر در بخشی دیگر برای صنعتگران احترام و ارزش ویژه‌ای قائل است (همان: ۷)، زیرا آنان را خادمان جامعه و ستون‌های حیات اقتصادی جامعه می‌داند. علاوه بر این مفهوم تعاون، همکاری و احترام متقابل را شرط اصلی سلامت جامعه می‌داند (همان: ۱۰-۱۱).

در مجموع شهنامه سلجوق تصویری از جامعه‌ای ارائه می‌دهد که در آن خدمت به خلق، همکاری و کار دسته جمعی داری ارزش و احترام است. شاعر، جامعه اوغوزی را نظامی هماهنگ و مشارکتی ترسیم کرده است؛ جامعه‌ای که در آن هر فرد، فارغ از جایگاه اجتماعی، بخشی از سازوکار خدمت به خلق محسوب می‌شود. از این منظر، شهنامه سلجوق را می‌توان متنی دانست که در قالب روایت اساطیری، بنیان‌های اخلاق اجتماعی، عدالت و خدمت عمومی را بازتاب می‌دهد که هر عضو جامعه صرف نظر از جایگاهش بخشی از نظام هماهنگ و خدمت محور است.

۴-الگوی خدمات اجتماعی در دوره سلجوقیان:

در بخش‌های پیشین، اندیشه‌های مرتبط با خدمات اجتماعی در سه سنت ایرانی، اسلامی و ترکی به‌صورت جداگانه بررسی شد تا عناصر و مؤلفه‌های اصلی هر یک از این سنت‌ها شناسایی شود. با این حال، هدف این پژوهش صرفاً ارائه سه مسیر مستقل از اندیشه‌های اجتماعی نیست؛ بلکه در گام بعدی، با کنار هم قرار دادن عناصر مشترک این سنت‌ها، تلاش می‌شود نحوه هم‌نشینی و تلفیق آن‌ها در ساختار حکمرانی سلجوقیان تبیین شود .

تحلیل تطبیقی این سه سنت نشان می‌دهد که با وجود تفاوت‌های تاریخی، فرهنگی، زبانی و کارکردهای نهادی، مجموعه‌ای از محورهای مشترک در حوزه خدمات اجتماعی، در میان آن‌ها وجود داشته است؛ محورهایی که امکان تعامل و هم‌افزایی این سنت‌ها را در یک فضای سیاسی و اجتماعی واحد فراهم می‌کرد. در واقع، سنت‌های ایرانی، اسلامی و ترکی در دوره سلجوقیان به‌صورت سه جریان کاملاً منفک باقی نماندند، بلکه در بستر حکمرانی این دوره با یکدیگر وارد تعامل شدند و در عمل به شکل‌گیری چهارچوبی مشترک در حوزه خدمات اجتماعی انجامیدند .

حکومت سلجوقیان در نقطه تلاقی این سه سنت فکری و نهادی شکل گرفت و در فرآیند اداره جامعه ناگزیر از بهره‌گیری هم‌زمان از ظرفیت‌های هر سه بود. از این رو، سیاست‌ها و اقدامات اجتماعی این دوره را نمی‌توان بازتاب صرف یکی از این سنت‌ها دانست، بلکه باید آن‌ها را حاصل نوعی ترکیب و هم‌نشینی کارکردی میان نظام ارزشی اسلامی، تجربه دولtdاری ایرانی و ساختار سیاسی - نظامی ترک‌ها تلقی کرد. با این حال، این سه سنت در شکل‌گیری الگوی خدمات اجتماعی سلجوقیان نقش و جایگاه یکسانی نداشتند، بلکه هر یک در سطحی متفاوت از ساختار حکمرانی عمل می‌کردند. بر این اساس، عناصر برگرفته از این سه منبع معرفتی در تعامل با یکدیگر قرار گرفتند و به تدریج الگویی نسبتاً منسجم در حوزه خدمات اجتماعی در ساختار حکمرانی سلجوقی شکل دادند. در ادامه، با تکیه بر محورهای مشترک این سنت‌ها، نحوه تلفیق آن‌ها و چگونگی شکل‌گیری الگوی خدمات اجتماعی در دوره سلجوقیان مورد بررسی قرار می‌گیرد.

در این پژوهش می‌توان شکل‌گیری الگوی خدمات اجتماعی در دوره سلجوقیان را در قالب یک مدل تحلیلی تبیین کرد. این مدل نشان می‌دهد که الگوی مورد نظر نه محصول یک سنت واحد، بلکه نتیجه تعامل و هم‌نشینی سه منبع معرفتی ایرانی، اسلامی و ترکی است که در بستر ساختار حکمرانی سلجوقی به یک چهارچوب نسبتاً منسجم تبدیل شده‌اند.

در سطح نخست این مدل، سه منبع اصلی شکل‌دهنده اندیشه خدمات اجتماعی قرار دارند؛ با این حال، این منابع در الگو از جایگاه و نقش یکسانی برخوردار نیستند و هر یک در بخشی متفاوت از فرایند شکل‌گیری و اجرای سیاست‌های اجتماعی عمل می‌کنند. در این میان، سنت اسلامی با تأکید بر عدالت، مسئولیت اخلاقی حکومت، حمایت از نیازمندان و نهادهایی همچون زکات، صدقه و وقف، چهارچوب ارزشی و هنجاری الگو را فراهم می‌سازد و جهت‌گیری کلی خدمات اجتماعی را تعیین می‌کند (نمودار ۲). سنت ایرانی با پشتوانه دیرپای دولت‌داری، اندیشه دادگری پادشاه و توجه به آبادانی سرزمین و رفاه رعیت، بیشترین سهم را در ساختارهای اداری و مدیریتی لازم برای سامان‌دهی سیاست‌های اجتماعی ایفا می‌کرد (نمودار ۱).

در کنار این دو سنت، میراث سیاسی و اجتماعی ترک‌ها که ریشه در سازمان‌های قبیله‌ای و نظامی داشت، با تأکید بر حفظ نظم اجتماعی، وفاداری سیاسی و انسجام نیروهای تابع حکومت، پایه قدرت سیاسی و اجرایی لازم برای تحقق عملی این سیاست‌ها را فراهم می‌ساخت (نمودار ۳). بدین ترتیب، این سه سنت در حکومت سلجوقیان به طور هم‌زمان حضور داشتند و در کنار یکدیگر بنیان‌های ارزشی، نهادی و اجرایی خدمات اجتماعی در این دوره را شکل می‌دادند.

در سطح دوم مدل؛ محورهای مشترک این سه سنت، قرار می‌گیرد. بررسی تطبیقی منابع و نمودارهایی که در بخش ضmann آمده‌اند؛ نشان می‌دهد که مفاهیمی چون عدالت اجتماعی، تأمین معیشت و رفاه عمومی، همبستگی و تعاون اجتماعی، حمایت از اقشار آسیب‌پذیر و حفظ نظم و امنیت اجتماعی در هر سه سنت به گونه‌ای مطرح بوده‌اند. این محورهای مشترک به منزله نقاط اتصال میان سنت‌های مختلف عمل می‌کردند و زمینه لازم برای هم‌نشینی آن‌ها را فراهم می‌ساختند. به عبارت دیگر، اشتراک در این اصول باعث شد که عناصر برگرفته از هر سه سنت بتوانند در یک چارچوب واحد قرار گیرند که در ادامه به بررسی این محورهای مشترک پرداخته می‌شود (نمودار ۴).

محور اول؛ عدالت اجتماعی است که به عنوان محور مرکزی عمل می‌کرد. سنت اسلامی عدالت را به مثابه یک اصل ارزشی و دینی مطرح می‌کرد، سنت ایرانی آن را شرط مشروعیت و بقای حکومت می‌دانست و سنت ترکی آن را ضامن نظم اجتماعی و وفاداری رعایا تلقی می‌کرد. هم‌نشینی این دیدگاه‌ها موجب شد عدالت در دوره سلجوقی هم جنبه اخلاقی، هم اداری و هم سیاسی پیدا کند و به یکی از ارکان اصلی خدمات اجتماعی تبدیل شود.

تأمین معیشت و رفاه عمومی، محور دوم این اشتراکات را شکل می‌داد. آموزه‌های اسلامی بر رفع نیازهای اساسی جامعه و حمایت از نیازمندان تأکید داشت، سنت

ایرانی بر آبادانی، رونق اقتصادی و سامان‌دهی مالی جامعه تمرکز می‌کرد و سنت ترکی توجه ویژه‌ای به تأمین معاش گروه‌های وابسته به ساختار قدرت و تولید اجتماعی داشت. ترکیب این عناصر، زمینه شکل‌گیری سیاست‌هایی را فراهم آورد که در آن رفاه عمومی نه صرفاً یک اقدام خیرخواهانه، بلکه بخشی از وظایف حکومتی تلقی می‌شد.

محور سوم، تعاون و همبستگی اجتماعی بود که از دل اشتراکات سه سنت پدید آمد. در سنت اسلامی، تکافل اجتماعی و مسئولیت متقابل افراد جامعه مطرح بود؛ در سنت ترکی، روحیه همیاری و حمایت گروهی جایگاه مهمی داشت؛ و در سنت ایرانی، پیوند میان منافع عمومی و ثبات اجتماعی مورد تأکید قرار می‌گرفت. در دوره سلجوقی، این عناصر در کنار هم نوعی شبکه غیررسمی و رسمی از حمایت اجتماعی را شکل دادند که هم حکومت و هم جامعه در آن نقش داشتند.

حمایت از اقشار خاص و آسیب‌پذیر؛ محور چهارم بود. فقرا، بیوه‌ها، یتیمان، سادات، غازیان و مرزداران از جمله گروه‌هایی بودند که در هر سه سنت به شیوه‌های مختلف مورد توجه قرار گرفته‌اند. در الگوی سلجوقی، این حمایت‌ها در قالب پرداخت‌های مالی، مقرری‌ها و حمایت‌های نهادی جلوه یافت و نشان‌دهنده تبدیل آموزه‌های ارزشی به سازوکارهای عملی در خدمات اجتماعی بود.

در نهایت، حفظ نظم و امنیت اجتماعی به عنوان شرط امکان‌پذیری سایر محورها عمل می‌کرد. سنت اسلامی امنیت را زمینه اجرای عدالت می‌دانست، سنت ایرانی آن را عامل رونق اقتصادی و اداره مطلوب جامعه تلقی می‌کرد و سنت ترکی بر نقش آن در انسجام سیاسی و نظامی تأکید داشت. در الگوی سلجوقی، امنیت اجتماعی به مثابه بستری ضروری برای تحقق عدالت و رفاه عمومی در نظر گرفته شد.

در سطح سوم؛ فرایند تلفیق و هم‌نشینی این عناصر در ساختار حکمرانی سلجوقی، رخ می‌دهد. در این مرحله، ارزش‌های اسلامی به سیاست‌های اجتماعی جهت‌گیری دینی و اخلاقی می‌بخشیدند؛ سنت اداری ایرانی سازوکارهای اجرایی و مدیریتی لازم برای تحقق این سیاست‌ها را فراهم می‌کرد؛ و سنت سیاسی - نظامی ترکی نیز با ایجاد اقتدار سیاسی و ثبات حکومتی، امکان اجرای این سیاست‌ها را فراهم می‌ساخت. بنابراین هر یک از این سنت‌ها نقش مکملی در شکل‌گیری نظام خدمات اجتماعی ایفا می‌کردند. در نتیجه این تعامل، الگوی خدمات اجتماعی سلجوقی ظاهر می‌شود. این الگو را می‌توان الگویی چندبعدی دانست که در آن عدالت به عنوان اصل بنیادین نظم اجتماعی بود و رفاه عمومی و تأمین معیشت جامعه به عنوان وظیفه حکومت تلقی می‌شد، حمایت از گروه‌های نیازمند و آسیب‌پذیر به

عنوان مسئولیت اجتماعی قدرت سیاسی و حفظ نظم و امنیت به عنوان شرط تحقق سایر کارکردهای اجتماعی در کنار یکدیگر قرار می‌گرفتند.

بر این اساس، الگوی خدمات اجتماعی در دوره سلجوقیان را می‌توان حاصل تعامل سه بخش مکمل دانست: چهارچوب ارزشی و هنجاری برگرفته از آموزه‌های اسلامی، سازوکارهای نهادی و اداری متکی بر سنت دولtdاری ایرانی و قدرت سیاسی و اجرایی برگرفته از ساختارهای حکومتی ترک‌ها. این سه بخش، در کنار محورهای مشترکی چون عدالت اجتماعی، تأمین معیشت، همبستگی اجتماعی، حمایت از اقشار آسیب‌پذیر و حفظ نظم و امنیت اجتماعی، چهارچوبی نسبتاً منسجم برای سامان‌دهی خدمات اجتماعی در ساختار حکمرانی سلجوقی پدید آوردند.

نتیجه‌گیری:

پژوهش حاضر با هدف تبیین منشأهای فکری و چگونگی شکل‌گیری الگوی خدمات اجتماعی در دوره سلجوقیان، به بررسی تطبیقی سه سنت ایرانی، اسلامی و ترکی پرداخت. برخلاف رویکردهای پیشین که غالباً در سطح توصیف نهادها متوقف مانده و خدمات عام‌المنفعه در عصر سلجوقی را به اقداماتی پراکنده یا برآمده از یک سنت منفرد محدود ساخته‌اند. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که خدمات اجتماعی در این دوره را نمی‌توان صرفاً برآمده از یک سنت فکری مستقل دانست؛ بلکه این نظام در

بستر تعامل و هم‌نشینی سنت‌های گوناگون فکری و سیاسی شکل گرفته است و دارای الگویی نظاممند است. بر همین اساس، نوآوری بنیادین و نقطه عزیمت مقاله حاضر، فراتر رفتن از توصیف صرف و ارائه مفصل‌بندی جدید و تحلیلی از تاریخ اجتماعی این عصر است که نشان می‌دهد عملکرد حکومت سلجوقی در حوزه رفاه و حمایت اجتماعی، برآیند تعامل و درهم‌تنیدگی این سه سنت معرفتی است. در واقع، ساختار حکمرانی سلجوقیان عرصه‌ای بود که در آن جهت‌گیری دینی اسلامی، عقلانیت دیوانی ایرانی و اقتدار ایلی ترکی به‌شکلی بی‌سابقه پیوند خوردند تا چهارچوبی منسجم برای سامان‌دهی سیاست‌گذاری‌های اجتماعی پدید آورند.

بررسی منابع نشان می‌دهد که هر یک از این سنت‌ها کارکردی متمایز اما مکمل در شکل‌گیری این الگو ایفا کرده‌اند. سنت اسلامی با تأکید بر ارزش‌هایی همچون عدالت، تکافل اجتماعی و مسئولیت اخلاقی حاکمان در قبال جامعه، شالوده اصلی و مبانی هنجاری و اخلاقی خدمات اجتماعی در جامعه را، فراهم می‌ساخت. در مقابل، سنت ایرانی که ریشه در تجربه تاریخی دولت‌داری و نظام دیوانی داشت، بیشترین سهم را در سازوکارهای اداری و مدیریتی برای سازمان‌دهی امور اجتماعی و تحقق سیاست‌های رفاهی در اختیار حکومت قرار می‌داد. در کنار این دو، سنت سیاسی - اجتماعی ترک‌ها با تکیه بر پیوندهای وفاداری، انسجام گروهی و اهمیت حفظ نظم و اقتدار سیاسی، زمینه عملی اجرای این سیاست‌ها را در ساختار قدرت

فراهم می‌کرد. بدین ترتیب، ترکیب این سه سنت به شکل‌گیری چهارچوبی انجامید که در آن عناصر ارزشی، نهادی و سیاسی در تعامل با یکدیگر قرار داشتند.

تحلیل تطبیقی منابع همچنین نشان داد که میان این سنت‌ها مجموعه‌ای از اصول و مفاهیم مشترک وجود داشت که به عنوان نقاط پیوند آن‌ها عمل می‌کرد. مفاهیمی چون عدالت اجتماعی، تأمین معیشت و رفاه عمومی، تعاون و همبستگی اجتماعی، حمایت از اقشار آسیب‌پذیر و حفظ نظم و امنیت اجتماعی در هر سه سنت به گونه‌ای مورد تأکید قرار گرفته‌اند. همین اشتراکات مفهومی سبب شد که عناصر برگرفته از سنت‌های مختلف بتوانند در قالب الگویی تلفیقی در ساختار حکمرانی سلجوقیان جای گیرند؛ به گونه‌ای که ارزش‌های اسلامی به سیاست‌های اجتماعی جهت‌گیری دینی و اخلاقی می‌بخشیدند؛ سنت اداری ایرانی، سازوکارهای اجرایی و مدیریتی لازم برای تحقق این سیاست‌ها را فراهم می‌کرد؛ و سنت سیاسی - نظامی ترکی نیز با ایجاد اقتدار سیاسی و ثبات حکومتی، امکان اجرای این سیاست‌ها را فراهم می‌ساخت. بدین ترتیب سیاست‌های اجتماعی این دوره از حالت پراکنده خارج شده و در قالب مجموعه‌ای نسبتاً منسجم از کارکردهای اجتماعی و حکمرانی تبلور یافتند.

در مجموع، یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که الگوی خدمات اجتماعی در عصر سلجوقیان را می‌توان الگویی تلفیقی و چندبعدی دانست که از پیوند سه منبع

فکری و نهادی شکل گرفته است. حاصل این هم‌نشینی، شکل‌گیری چهارچوبی از حکمرانی اجتماعی است که در آن عدالت، رفاه عمومی، حمایت اجتماعی و حفظ نظم به عنوان ارکان اصلی سیاست‌های اجتماعی در دوره سلجوقیان قابل مشاهده است.

تعارض منافع

هیچ گونه تضاد منافی در این پژوهش وجود ندارد.

کد اړکید	نام و نام خانوادگی نویسندگان
0000-0001-5558-9367	اسماعیل حسن زاده، دانشیار دانشگاه الزهرا
۴۵۶-۷۰۹۷-۰۰۰۲-۰۰۰۰X	زیبا شمس، دانشجوی دکتری ایران بعد از اسلام، دانشگاه الزهرا

بازتاب اندیشه خدمات اجتماعی در پرتو منابع معرفتی و فکری

(عصر سلجوقیان بزرگ)

۱- اسماعیل حسن زاده: دانشیار گروه تاریخ، دانشگاه الزهراء، تهران،

ایران (*نویسنده مسئول). کد ارکید: 0000-0001-5558-

9367

Email: e.hasanzadeh@alzahra.ac.ir

۲- زیبا شمس: دانشجوی دکتری تاریخ ایران بعد از اسلام، گروه

تاریخ، دانشگاه الزهراء، تهران، ایران. کد ارکید: ۰۰۰۰۲-۰۰۰۰X-

۴۵۶-۷۰۹۷

Email: z.shamsi@alzahra.ac.ir

۱. مقدمه:

دوره سلجوقیان بزرگ (۴۳۱-۵۹۱ ه.ق) از مقاطع تعیین کننده تاریخ ایران در قرون میانه است که در آن ساختار سیاسی و اجتماعی جامعه در نقطه تلاقی سه سنت فکری و معرفتی ایرانی، اسلامی و ترکی تکوین یافت. پژوهش حاضر با هدف بررسی

بازتاب اندیشه خدمات اجتماعی در پرتو این منابع فکری انجام شده است. در این پژوهش، مفهوم خدمات اجتماعی، نه به معنای مدرن «دولت رفاه»، بلکه به مجموعه تدابیر و اقداماتی اطلاق می‌شود که حاکمیت سلجوقی با همیاری نهادهای دیوانی، محلی و اوقافی، در راستای تثبیت مشروعیت، حفظ انتظام عمومی و دستگیری از افشار مختلف به کار می‌بست؛ کنش‌هایی که فراتر از تدابیر پراکنده اجرایی، بازتاب‌دهنده مبانی معرفتی حاکم بر جهت‌گیری‌های اجتماعی این حکومت بودند. در همین راستا، مسئله اصلی پژوهش حاضر آن است که تکثر منابع معرفتی ایرانی، اسلامی و ترکی، چگونه در شکل‌گیری اندیشه و الگوی خدمات اجتماعی عصر سلجوقی بازتاب یافته است؟ فرضیه اصلی این نوشتار بر آن است که الگوی خدمات اجتماعی در این دوره، نه محصول یک سنت منفرد، بلکه حاصل تعامل و هم‌نشینی این سه منبع در بستر حکمرانی است؛ به‌نحوی که اصول مشترک رفاهی در هر سنت، ذیل ساختار حکومت سلجوقی به چهارچوبی نسبتاً منسجم بدل شد.

در تبیین این سازوکار، سنت ایرانی با پیشینه دیرپای دیوان‌سالاری، ساختارهای اداری را سامان داد؛ سنت اسلامی به مثابه شالوده ارزشی، ابعاد فقهی و اخلاقی حمایت‌ها را قوام بخشید و سنت ترکی با تأکید بر همبستگی ایلیاتی، بازوی اجرایی تحقق این سیاست‌ها را فراهم ساخت.

۲. پیشینه پژوهش:

مطالعات تاریخی دوره سلجوقی از جمله: آثار لمبتون، بازورث و پیکاک، عمدتاً بر ساختار قدرت و نظام دیوانی متمرکز بوده و خدمات اجتماعی را تنها پیامد ثانوی ثبات سیاسی دانسته‌اند؛ لذا این حوزه به عنوان موضوعی مستقل با پشتوانه‌ای معرفتی، در مطالعات کلاسیک مغفول مانده است.

آثار موجود پیرامون نهادهایی چون وقف؛ نظیر پژوهش‌های سرافرازی، مشهدی و رستمی، درگیر تحلیل‌های تک‌بعدی، ساختاری یا غیرتاریخی هستند. این پژوهش‌ها پیوند میان مفاهیم رفاهی و منابع معرفتی را در بستر حکمرانی سلجوقیان نادیده گرفته و از تبیین الگوی جامع خدمات اجتماعی بازمانده‌اند.

پژوهش حاضر با عبور از آن رویکردهای محدود، برای نخستین‌بار تعامل و درهم‌تنیدگی سه سنت ایرانی، اسلامی و ترکی را به عنوان مبنای الگوی خدمات اجتماعی سلجوقی واکاوی می‌کند. نوآوری این نوشتار، ارائه تحلیلی منسجم از سیاست‌گذاری اجتماعی برآمده از این سنت‌های معرفتی در ساختار حکومت است.

۳. روش تحقیق:

این پژوهش با رویکرد توصیفی-تحلیلی و با بهره‌گیری از روش تحلیل تاریخی، به واکاوی مبانی الگوی خدمات اجتماعی در دوره سلجوقی می‌پردازد. فرآیند پژوهش

شامل گردآوری و بررسی انتقادی منابع متنی از جمله متون سیرالملوک، آثار اسلامی و میراث مکتوب ترکی است. در این راستا، با استخراج مفاهیم کلیدی از این منابع، تلاش شده است تا پیوند میان سنت‌های معرفتی مذکور و الگوهای عملیاتی حاکمیت در حوزه رفاه و حمایت‌های اجتماعی تبیین گردد.

۴. نتیجه:

پژوهش حاضر با هدف تبیین منشأهای فکری و چگونگی شکل‌گیری الگوی خدمات اجتماعی در دوره سلجوقیان، به بررسی تطبیقی سه سنت ایرانی، اسلامی و ترکی پرداخت. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که خدمات اجتماعی در این دوره را نمی‌توان صرفاً برآمده از یک سنت فکری مستقل دانست؛ بلکه این نظام در بستر تعامل و هم‌نشینی سنت‌های گوناگون با الگویی نظاممند شکل گرفت. بر همین اساس، نوآوری بنیادین و نقطه عزیمت مقاله حاضر، فراتر رفتن از توصیف صرف و ارائه مفصل‌بندی جدید و تحلیلی از تاریخ اجتماعی این عصر است که نشان می‌دهد عملکرد حکومت سلجوقی در حوزه رفاه و حمایت اجتماعی، برآیند تعامل و درهم‌تنیدگی این سه سنت معرفتی است.

بررسی منابع نشان می‌دهد که هر یک از این سنت‌ها کارکردی متمایز اما مکمل در شکل‌گیری این الگو ایفا کرده‌اند. سنت اسلامی با تأکید بر ارزش‌هایی همچون

عدالت و تکافل اجتماعی، شالوده اصلی و مبانی هنجاری و اخلاقی خدمات اجتماعی در جامعه را، فراهم می‌ساخت. در مقابل، سنت ایرانی که ریشه در تجربه تاریخی دولت‌داری و نظام دیوانی داشت، بیشترین سهم را در سازوکارهای اداری و مدیریتی برای سازمان‌دهی امور اجتماعی و تحقق سیاست‌های رفاهی در اختیار حکومت قرار می‌داد. در کنار این دو، سنت سیاسی - اجتماعی ترک‌ها با تکیه بر پیوندهای وفاداری و اهمیت حفظ نظم و اقتدار سیاسی، زمینه عملی اجرای این سیاست‌ها را در ساختار قدرت فراهم می‌کرد.

تحلیل تطبیقی منابع همچنین نشان داد که میان این سنت‌ها مجموعه‌ای از اصول و مفاهیم مشترک وجود داشت که به عنوان نقاط پیوند آن‌ها عمل می‌کرد. مفاهیمی چون عدالت اجتماعی، تأمین معیشت و رفاه عمومی، تعاون و همبستگی اجتماعی، حمایت از اقشار آسیب‌پذیر و حفظ نظم و امنیت اجتماعی در هر سه سنت به گونه‌ای مورد تأکید قرار گرفته‌اند. همین اشتراکات مفهومی سبب شد که عناصر برگرفته از سنت‌های مختلف بتوانند در قالب الگویی تلفیقی در ساختار حکمرانی سلجوقیان جای گیرند.

به گونه‌ای که ارزش‌های اسلامی به سیاست‌های اجتماعی جهت‌گیری دینی و اخلاقی می‌بخشیدند؛ سنت اداری ایرانی، سازوکارهای اجرایی و مدیریتی لازم برای تحقق این سیاست‌ها را فراهم می‌کرد؛ و سنت سیاسی - نظامی ترک‌ها نیز با ایجاد

اقتدار سیاسی ، امکان اجرای این سیاست‌ها را فراهم می‌ساخت. بدین ترتیب سیاست‌های اجتماعی این دوره از حالت پراکنده خارج شده و در قالب مجموعه‌ای نسبتاً منسجم از کارکردهای اجتماعی و حکمرانی تبلور یافتند.

در مجموع، یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که الگوی خدمات اجتماعی در عصر سلجوقیان را می‌توان الگویی تلفیقی و چندبعدی دانست که از پیوند سه منبع فکری و نهادی شکل گرفته است. حاصل این هم‌نشینی، شکل‌گیری چهارچوبی از حکمرانی اجتماعی است که در آن عدالت، رفاه عمومی، حمایت اجتماعی و حفظ نظم به عنوان ارکان اصلی سیاست‌های اجتماعی در دوره سلجوقیان قابل مشاهده است.

کلیدواژه‌ها: خدمات اجتماعی، سلجوقیان بزرگ، تکثر معرفتی، سنت ایرانی، سنت اسلامی، سنت ترکی،

Reflection of the Thought of Social Services in the Light of Intellectual and Epistemic Sources (The Era of the Great Seljuks)

1- Esmaeel Hasan-zadeh: Associate Professor in Department of History, Alzahra University, Tehran, Iran.

Email: e.hasanzadeh@alzahra.ac.ir

Orcid: 0000-0001-5558-9367

2- Ziba Shams: PhD Student in Post-Islamic Iranian History, Alzahra University, Tehran, Iran.

Email: z.shamsi@alzahra.ac.ir

Orcid: ۴۵۶-۷۰۹۷-۰۰۰۲-۰۰۰۰ X

1. Introduction

The Great Seljuk era (431–591 AH / 1040–1194 CE) marks a decisive juncture in medieval Iran, wherein socio-political structures crystallized at the confluence of Iranian, Islamic, and Turkic traditions. This study examines social service through these epistemic traditions, conceptualizing it not as a modern ‘welfare state’ but as measures deployed by the Seljuk state to consolidate legitimacy, preserve order, and support diverse strata; actions that, far from scattered

expedients, reflected the epistemic foundations governing its social orientations.

In this regard, the principal question of this research is: how was the plurality of the Iranian, Islamic, and Turkic epistemic sources reflected in the formation of the idea and pattern of social service in the Seljuk era? The central hypothesis holds that the pattern of social service in this period was not the product of an isolated tradition, but the outcome of the interaction and co-presence of these three sources within the matrix of governance, such that the shared welfare principles of each tradition were transformed, under Seljuk rule.

To explain this mechanism, the Iranian tradition, through its enduring legacy of statecraft, structured the administrative systems, the Islamic tradition, as the value foundation, gave substance to the jurisprudential and ethical dimensions of protection; and the Turkic tradition, emphasizing tribal and nomadic-military cohesion, supplied the executive arm for realizing these policies.

2. Literature Review

Historical studies of the Seljuk period, including the works of Lambton, Bosworth, and Peacock, have concentrated

predominantly on the structure of power and the *divan* system, treating social service merely as a secondary consequence of political stability; consequently, this domain, as an independent subject with its own epistemic underpinnings, has remained neglected in classical scholarship.

Also, Existing works on institutions such as the *waqf*, including the work of Sarafrazi, Mashhadi, and Rostami ‘remain entangled in one-dimensional, structural, or ahistorical analyses. These studies overlook the linkage between welfare concepts and epistemic sources within the context of Seljuk governance and fail to expound a comprehensive model of social service.

Moving beyond such restricted approaches, the present research examines, for the first time, the interaction and entanglement of the three Iranian, Islamic, and Turkic traditions as the foundation of the Seljuk pattern of social service. Its innovation lies in offering a coherent analysis of the social policymaking emanating from these epistemic traditions within the structure of the state.

3. Methodology

This research adopts a descriptive-analytical approach, drawing upon the method of historical analysis to investigate the foundations of the pattern of social service in the Seljuk period. The process comprised the collection and critical examination of textual sources, including the *Persian mirrors-for-princes literature*, Islamic works, and the written Turkic heritage. By extracting key concepts from these sources, an attempt has been made to elucidate the connection between the aforementioned epistemic traditions and the operational patterns of governance in the domain of welfare and social protection.

4. Conclusion

With the aim of explicating the intellectual origins and mode of formation of the pattern of social service in the Seljuk era, this study undertook a comparative examination of the Iranian, Islamic, and Turkic traditions. The findings demonstrate that social service in this period cannot be regarded simply as the outgrowth of an independent intellectual tradition; rather, this system took shape, in a systematic fashion, within the matrix of the interaction and co-presence of diverse traditions. Accordingly, the fundamental innovation of the present article is its movement

beyond mere description toward a new analytical articulation of the social history of this age, showing that the performance of the Seljuk state in the sphere of welfare and social protection was the aggregate outcome of the intertwining of these three epistemic traditions.

The sources reveal that each tradition performed a distinct yet complementary function. The Islamic tradition, emphasizing values such as justice and mutual social solidarity, provided the principal foundation and the normative and ethical bases of social service. The Iranian tradition, rooted in the historical experience of statecraft and the *divan* system, furnished the state with the greatest share of the administrative and managerial mechanisms for organizing social affairs and realizing welfare policies. The Turkic socio-political tradition, relying on bonds of loyalty and the preservation of political order and authority, created the practical conditions for implementing these policies within the structure of power.

Comparative analysis further demonstrated that a set of shared principles and concepts existed among these traditions, functioning as their points of articulation: social justice, the provision of livelihood and public welfare, cooperation and social solidarity, the protection of vulnerable

strata, and the maintenance of social order and security were emphasized in all three traditions. It was precisely these conceptual commonalities that enabled elements drawn from the different traditions to be accommodated within an integrative model of Seljuk governance.

wherein Islamic values imparted a religious and ethical orientation to social policies; the Iranian administrative tradition supplied the executive mechanisms for their realization; and the Turkic politico-military tradition, by establishing political authority, made their implementation feasible. The social policies of the period thus ceased to be diffuse and crystallized into a relatively coherent ensemble of social and governing functions.

In sum, the pattern of social service in the Seljuk era emerges as an integrative, multidimensional model born of three intellectual and institutional sources, yielding a framework of social governance in which justice, public welfare, social protection, and the preservation of order stand as the principal pillars of Seljuk social policy.

Keys: Social Services, Great Seljuks, Epistemic Plurality, Persian Tradition, Islamic Tradition, Turkic Tradition

منابع

- قرآن کریم.

- ابن اثیر، ابوعلی بن محمد. (۱۳۸۵ ه.ق.)، **الکامل فی التاریخ**، لبنان: دار صادر.

- ابن اخوه، محمد بن احمد. (۱۳۹۵)، **آیین شهرداری در قرن هفتم هجری؛**

معالم القربه فی احکام الحسبه، ترجمه: جعفر شعار، تهران: انتشارات علمی

فرهنگی، چاپ پنجم.

- رحیم پور ازغندی، طاهره (۱۴۰۲)، «نقش خاتونهای واقف در تداوم گفتمان

رسمی سلجوقیان»، **فصلنامه علمی - پژوهشی تاریخ اسلام**، سال بیست و

چهارم، شماره ۹۴.

- ابواسحاق شیرازی، ابراهیم بن علی. (۲۰۰۳م)، **المهذب فی فقه الامام**

الشافعی، بیروت: دارالمعرفه.

- اسدپور، حمید. (۱۳۹۹)، **احیای سلطنت؛ برآمدن سلطنت ایرانی در عهد**

سلجوقیان بزرگ و بنیادهای نظری آن، تهران: نگارستان اندیشه.

- امام الحرمین جوینی، عبدالملک بن عبدالله/الف. (۲۰۱۱م)، **غیاث الامم فی التیث الظلم**، تحقیق: احمد السایح و توفیق وهبه، قاهره: مکتبه الثقافه الدینیة.

- امام الحرمین جوینی، عبدالملک بن عبدالله/ب. (۲۰۰۷م)، **نهایه المطلب فی درایه المذهب**، جده: دار المنهاج.

- بارتولد، واسیلی ولادیمیریچ. (۱۳۷۶)، **تاریخ ترک های آسیای مرکزی**، ترجمه: غفار حسینی، تهران: توس.

- بازورث، ادموند و دیگران. (۱۳۸۰)، **سلجوقیان**، ترجمه: یعقوب آژند، تهران: انتشارات مولی.

- بخاری، محمد بن اسماعیل. (۱۹۹۰م)، **صحیح البخاری**، قاهره: وزارت اوقاف.

- بنداری اصفهانی، فتح بن علی. (۱۳۵۶)، **تاریخ سلسله سلجوقی**، ترجمه: محمد حسین جلیلی، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.

- بویل، جی. آ. (۱۳۸۵)، **تاریخ ایران کمبریج: از آمدن سلجوقیان تا فروپاشی دولت ایلخانی**، تهران: موسسه انتشارات امیرکبیر.

- بیهقی، ابوالفضل محمد بن حسین. (۱۳۸۴)، **تاریخ بیهقی**، تصحیح: دکتر علی اکبر فیاض، تهران: نشر علم.

- ثعالبی، عبدالملک بن محمد. (۲۰۰۵م)، آداب الملوک، بیروت: دارالغرب الاسلامی.

- درایتی، مصطفی. (۱۳۹۰)، فهرستگان نسخه های خطی ایران؛ فحنا، تهران: سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران.

- زاهدی اصل، محمد. (۱۳۸۷)، مقدمه ای بر خدمات اجتماعی در اسلام، تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی، چاپ دوم.

- سبط، ابن جوزی. (۱۴۳۴ه.ق)، مراه الزمان فی تواریخ الاعیان، دمشق: انتشارات الرساله العامریه، طبعه الاول.

- سرپرسی سایکس، میجر. (۱۳۶۳)، سفرنامه، ترجمه: حسین سعادت فر، تهران: انتشارات لوحه.

- سینگر، امی. (۱۳۹۶)، خیریه در جوامع اسلامی، ترجمه: فاطمه سلجوقیان، اصفهان: انتشارات قیسات.

- سیوطی، جلال الدین عبدالرحمن. (۱۹۹۴)، جامع الاحادیث، تحقیق: علی جمعه. تحقیق: عباس احمد سقر، بیروت: دارالفکر.

- جعفری، جعفر بن محمد. (بی تا)، تاریخ یزد، بی جا.

- غزالی، ابو حامد محمد / الف. (۲۰۰۸ م)، التبر المسبوك في نصيحة الملوك، بيروت: المكتبة العصرية.

- غزالی، ابو حامد محمد / ب. (۱۳۵۶هـ)، احياء العلوم الدين، بيروت: الثقافته الاسلاميه.

- قشیری نیشابوری، ابوالقاسم عبدالکریم بن هوازن. (۱۳۷۴ش) ، الرساله القشیریة، تحقیق: عبدالحلیم محمود، قم: نشر بیدار.

- فارسی، امام حافظ ابوالحسن عبدالغفار. (۱۳۸۴) ، المختصر من کتاب السياق لتاریخ نيسابور، تحقیق: محمد کاظم المحمودی، تهران: میراث مکتوب.

- کسائی، نورالله. (۱۳۷۴) ، مدارس نظامیه و تاثیرات علمی و اجتماعی آن، تهران: انتشارات امیرکبیر.

- کلوزنر، کارلا. (۱۳۸۱)، دیوانسالاری در عهد سلجوقی؛ وزارت در عهد سلجوقی، ترجمه: یعقوب آژند، تهران: موسسه انتشارات امیر کبیر.

- کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق. (۱۳۸۸)، اصول کافی، ترجمه: سعید و لطیف راشد، قم: نشر اجود.

- لطفی. نسخه خطی شهنامه سلجوق، کتابخانه مجلس، تهران: شماره ۱۴۹۹.

- مافروخی اصفهانی، مفضل بن سعد. (۱۳۸۵) ، *محاسن اصفهان*، سازمان فرهنگی تفریحی شهرداری اصفهان.

- ماوردی، ابوالحسن علی بن محمد /ب. (۱۹۸۱م)، *تسهیل النظر و تعجیل الظفر فی اخلاق الملك و سیاسه الملك*، بیروت: دارالنهضة العربیه .

- ماوردی، ابوالحسن علی بن محمد/الف. (۲۰۰۳م)، *الاحکام السلطانیه*، تحقیق: سمیر مصطفی رباب، بیروت: مکتبه العصریه.

- ماوردی، ابوالحسن علی بن محمد/پ. (۱۹۹۴م)، *الحاوی الکبیر فی فقه مذهب الامام الشافعی*، بیروت: دارالکتب العلمیه.

- مسلم نیشابوری، ابوالحسن. (۱۴۳۵ق)، *صحیح المسلم*، قاهره: دارالتأصیل.

- ناصر خسرو قبادیانی، ابومعین حمید الدین. (۱۳۸۲)، *سفرنامه ناصر خسرو*، به کوشش: نادر وزین پور ، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ سیزدهم.

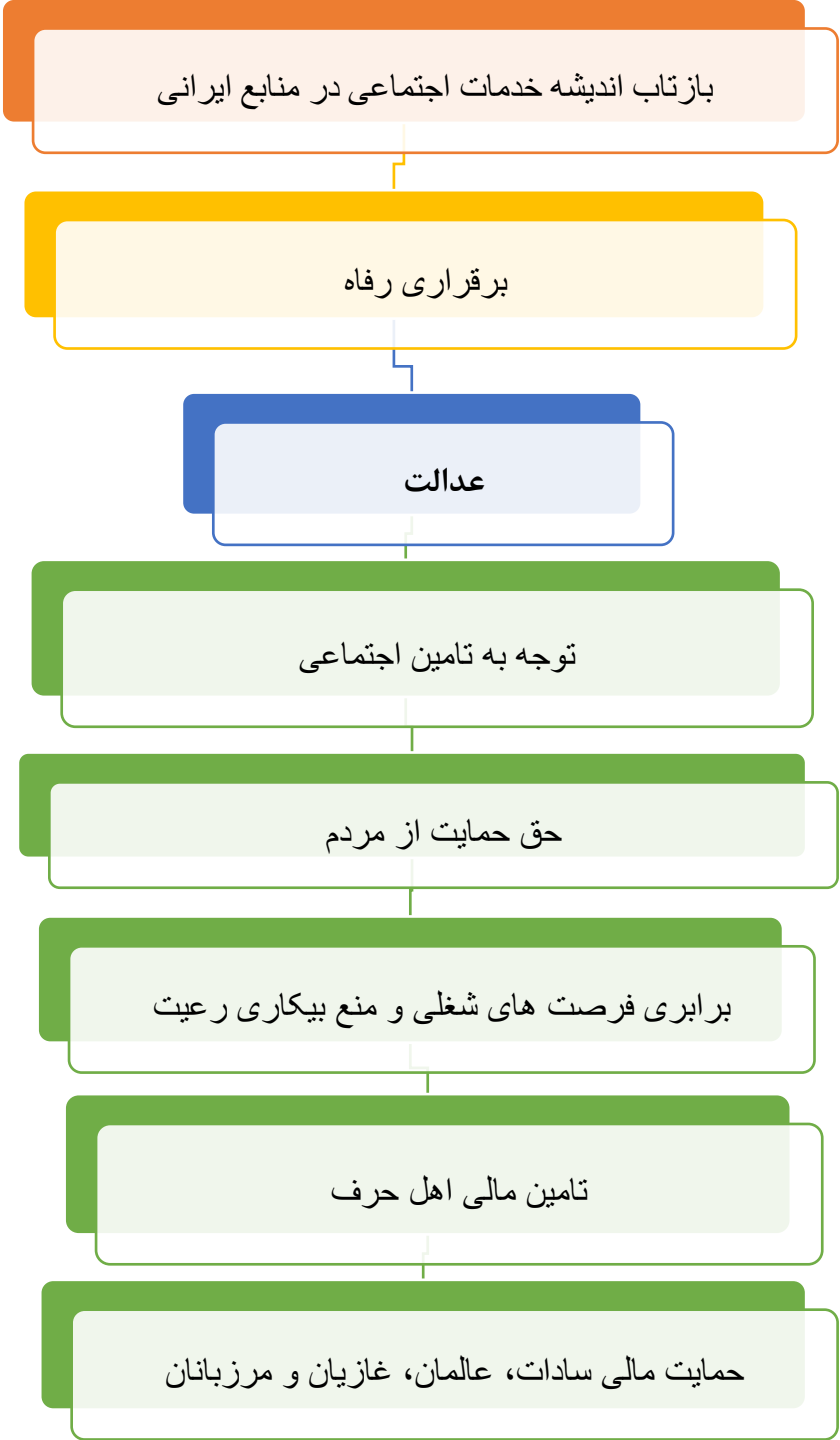
- نظام الملك طوسی، ابوعلی حسن. (۱۳۸۳)، *سیرالملوک*، تصحیح: هیوبرت دارک، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.

- نیشابوری، ظهیرالدین. (۱۳۳۲)، *سلجوقنامه*، تهران: کلاله خاور.

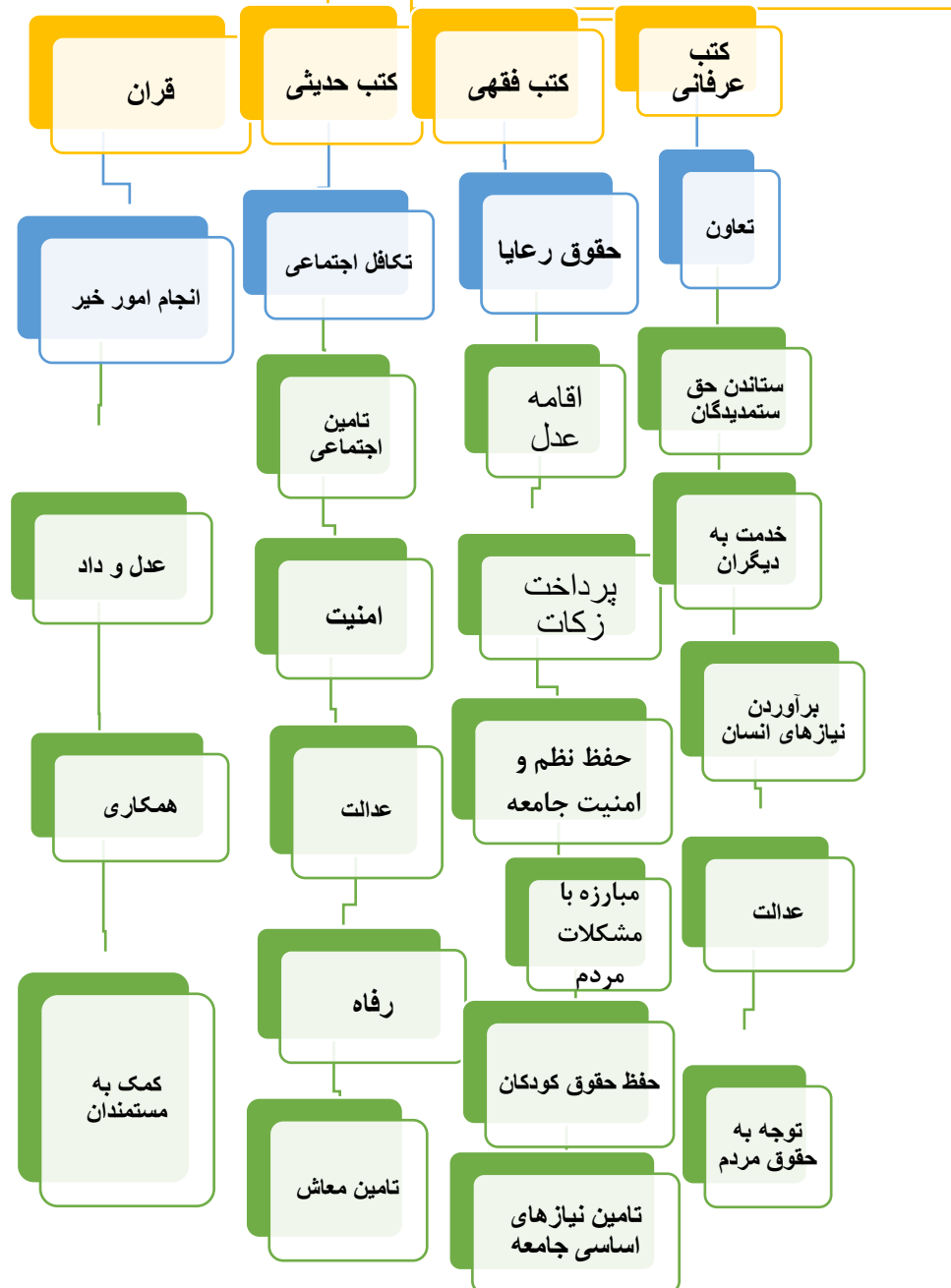
- وزیری، احمدعلی خان. (۱۳۵۲). **تاریخ کرمان**، تصحیح محمدابراهیم باستانی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

- یاوری، نگین. (۱۴۰۲). **آینده در گذشته ایران؛ نظام‌الملک در آینه تاریخ**، ترجمه: محمد دهقانی، تهران: نشر تاریخ.

- Thomsen, Vilhelm. (1896). ***The Orkhon Inscriptions***, Translation: professor Vilhelm Thomsen, Copenhagen: Royal Danish Academy, Online PDF source.
- Marlow, Louise. (2023). ***Medieval Muslim Mirrors for Princes***, Cambridge University Press.
- Peacock, Andrew (2015). ***Great Seljuk Empire***, Edinburgh University Press.
- Yusuf Has Hacib. (2008). ***Kutadgu Bilig***, Istanbul: Kabalcı Yayınevi.



بازتاب اندیشه های خدمات اجتماعی در منابع اسلامی



نمودار ۲- بازتاب اندیشه خدمات اجتماعی در منابع اسلامی

نمودار ۳- بازتاب اندیشه خدمات اجتماعی در منابع ترکی

بازتاب اندیشه های خدمات اجتماعی در منابع ترکی

تامین معاش و رفاه مردم

عدالت

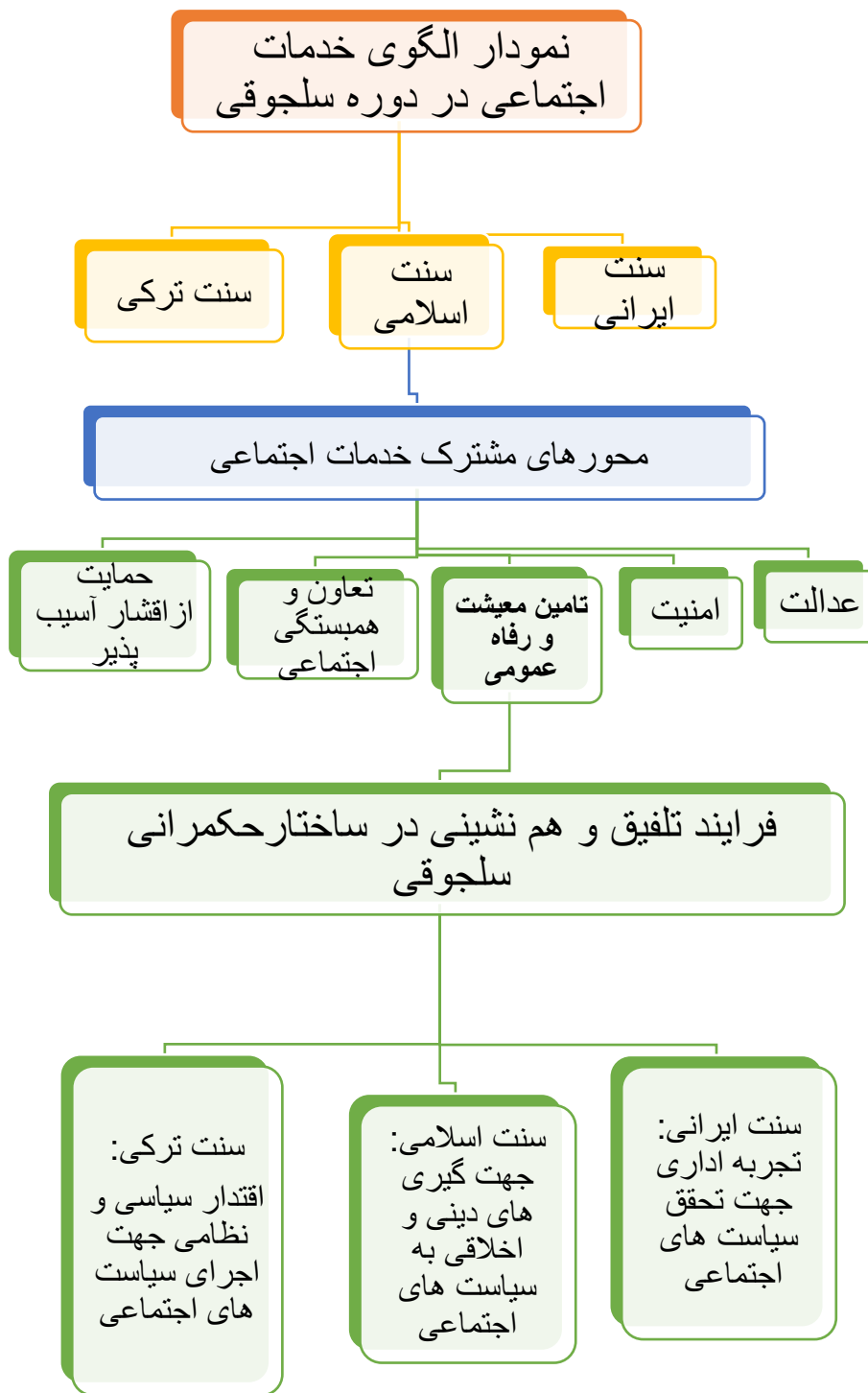
توجه ویژه به صنعتگران

احترام به حقوق زنان

تعاون و همکاری

حمایت از اقشار فقیر، بیوه ها و یتیمان

رعایت حقوق دوجانبه حکومت و مردم





عکس ۱- کتاب قوتادغوبیلیگ



عکس ۲- صفحات ابتدایی شهنامه سلجوق

Integration of Iranian, Islamic, and Turkic Knowledge in Seljuk Social Services



عکس ۴- طرح هوش مصنوعی از منابع معرفتی سه گانه سلجوقی؛ ایرانی (شمسه ساسانی و اندرزنامه)، اسلامی (مسجد و آیه زکات) و ترکی (نماد ترکی؛ گرگ و کتیبه اورخون) و جمله معروف نظام الملک در پایین صفحه با این عنوان: بقای مملکت به عدل، داد و آبادانی است.

